



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۰ دوشنبه ۲۳ تیر ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

صدای توده ها

بحران اقتصادی - سیاسی
حاکم برجاسته ما روز بروز عمیق
و جدت بیشتری میابد و این هفته
از درون آن، تهاجم وسیع و جدی
حکومت بر علیه دگه داران بیرون
زده است. نه تنها دستورهای بی دریغی
دولت و شهرداری برای جمع کردن
دگه ها، سرانجام با اولتیماتوم
و فرمان سختگیرانه و بیشترمانند
دولت همراه شده، بلکه بهمین اندازه
زه بستن دگه ها و ایستادگی در مقابل
بل مقاومت کارگران روزحمتکشان
که تا روزانه خود را از زاین طریق
بدست می آورند، سخت گردیده است.

بیکاری وسیع که از سال ۵۶
بدینسو گریبان اقتصاد سرمایه داری
وابسته را دودستی چسبیده هر روز
ایمان دوسیع تری میگیرد. در همین
هفته های اخیر بیش از ۱۰ کارخانه
به علل مختلف از کار افتاده و کار
گران آنها اخراج گردیده اند. دولت
بسیاری از کارمندان را از بدنه
بوروکراسی متورم خود میکند و
به صفوف بی کاران اینرتاب میکند.
هرسال بیش از نیم میلیون دانش
آموز با بیایان رساندن تحصیلات
دبیرستانی وارد لشکر بیکاران
میشود. و اقتصاد بحران زده و ناتوان
سرمایه داری وابسته که از استقرار
گردش عادی سرمایه عاجز شده است
فقط جذب مجدد با اصولاً جذب آنان
را ندارد.
هرکس به خاطر دارد که سر تا سر
سال ۵۸ مملو از مبارزات خونین
کارگران و زحمتکشان بیکار با حکومت
بود.

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

قسمت دوم

در شماره قبل به نتیجه

نهایی اصلاحات ارضی
بورژوازی رژیم شاه اشاره

کردیم. اصلاحاتی که از جمله
نتایج آن تمرکز بیشتر
توده دهقانان بر روی زمینها
کوچک و تمرکز زمینهای بیشتر
در دست مالکین بزرگ
(دولتی و خصوصی) بود. حاصلی
که معنای آن از دیادفقرو
سیروزی این توده دهقانان
واجبار به پذیرش پرورده در
ناکرها نمودن روستاها
و پیوستن به خیل تهیدستان
شهری گشت.

بقیه در صفحه ۱۲

پاسخ به نامه ها

در صفحه ۳

خلق و ضد خلق اسطیلاب سیاسی پیکار و ... (۴)

حال که با به علت توسل "پیکار" به آنچنان
فرمول بندی را در یافتیم. ببینیم که ادبیات
م. ل. چگونه برخوردی به مفاهیم خلق و ضد خلق
و رابطه آنها با انقلاب و ضد انقلاب دارد. مقدمتاً باید
گفت که در هیچ گوشه ای از ادبیات م. ل. سراغی از
لب جفت واره و پاپیه قرار دادن آن برای تعیین
قلب بندی استراتژی و تاکتیک بچشم نمیخورد.
مارکس و انگلس با رها از انقلاب و ضد انقلاب سخن
گفته اند، ولی هیچگاه آنرا قلب بندی آنچنانی که
که با خلق چنین تمایزی و با ارتجاع چنان تمایزی
دارد، ننمودند.

بقیه در صفحه ۷

جنگ و صلح در کردستان (۲)

درباره موضع اپورتونیستی
اکثریت کمیته مرکزی "س.ج" و شاخه کردستان

حال تفاوت نظیم بعدی میان خط مشی
لنینیستی و پاپیسم ظاهر میگردد. تردیدی
وجود ندارد که خلق کرد در قبال هیات حاکمه
تاکتیک های متفاوتی دست میبازد. بطور کلی تا
کنون تاکتیک اصلی خلق کرد در مقابل تهاجمات
هیات حاکمه دفاع فعال بوده است. این تاکتیک
جزیی از شیوه اصلی نابودی سیستم کنونی یعنی
شیوه قهرآمیز است که بنا به شرایط معینی که از

بقیه در صفحه ۴

در پیکار رزمندگان می خوانید:

- پاکسازی کوششی به قصد منحرف کردن مبارزات مردم!
- مبارزات متحدانه کارگران: تنها راه جلوگیری از تعطیل کارخانجات
- دگه داران شهر به شهر مقاومت در مقابل سرکوب
- در جریان پخش خبرنامه کومه له در فیر و رکو رفیق اسفندیار قربانی شهید شد.
- اخبار کارگری ● اخبار کردستان قهرمان
- و ...

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

در بسیاری موارد این بر خوردها به صورت قهرآمیز در آمد چندین روز شهرها را در خود فروبرد. نمونه برجسته این موارد میتوان در اندیمش، درود، کرمانشا و... مثال زد. قریب دهای فدا مهربان - لیستی رژیم و تلاشهای آنها در به خون کشاندن این مبارزات، نتوانست مدت زیادی دوام آورد و ما در نیمه دوم سال ۵۹ به خوبی شاهد رشد روز افزون این مبارزات بودیم. درگیری میان کارگران (اعم از شاغل و بیکار) با سرمایه داران (اعم از خصوصی و دولتی) فقط و فقط تغییر شکل یافته است و علی رغم همه توهमत و ترديد های سیاسی کارگران نسبت به این حکومت، طبقه کارگر مبارزه خویش را مرتباً توسعه داده و اکنون نیز آرزای پیش میبرد. بخشی از این بیکاران که جذب کارهای توزیعی حقیرانه ای شده بودند، تنها برای یک مدت کوتاه میتوانستند صرف مبارزه خود به هم را بیکاران را ترک کرده باشند، اما هر کسی میداند که در بسیاری موارد و فروش کوچک دکه داران نام دیگری هم داد و آن بیکاری پنهان، بیکاری تغییر شکل یافته از اینرو، دکه داری که به جنبش کارگران بیکار ضربه ای میزند نمیتوانست مدتی طولانی از این جنبش و از مبارزات عمومی طبقه کارگر جدا بماند. زیرا حقیقتاً

ما همان بیکارها هستیم سرکار خویش برگردید!

وقاحت هیات حاکمه در بی اعتنائی نسبت به زندگی هزاران زن و کودک وابسته به این دکه داران از آنجا بیشتر پدیدار میگردد که آنان را متهم به رواج فساد، فحشاء، مسوود مخدرو غیره مینمایند.

در حالیکه بیکاری با نرخ سریع رشد میکند، و از کار افتادن بسیاری از کارخانها به علل مختلف به امری عادی تبدیل شده و سرمایه داران به علت وضع بحرانی جامعه حاضر به سرمایه گذاری نیستند، دولت به دکه داران فلاکت زده اعلام میکند که دست از فساد (یعنی امرامعاش) بردارند. گسترش دکه داری، ولشکر بیکاران نشانی آغاز فلاکت در زندگی میلیونها زحمتکش و خانواده شان است. آنها به نیرویی خطرناک در برابر حکومت تبدیل شده اند. جنبش احزاب خرد بورژوازی هیات حاکمه که حتی دورانیشی فدا انقلابی بورژوازی را نپذیرد، حمله خود را به این زحمتکشان در اکثر شهرهای بزرگ (که اساساً مسئله دکه داری در آنجا اهمیت دارد) آغاز کرده و در بسیاری نقاط با قهر و با مقاومت آنها روبرو گردید. است روحیه طغیانگری و حرکت ضد سرمایه داری در این کارگران که به کار طاقت فرمای فروشندگی کوچک روی آورده اند، توسعه یافته است. و این امر حکومت را به مبارزه جدیدتر با آنان میکشاند.

دکه داران و بیکاران، حاضر

های آنهاست همان سرمایه داری وابسته است که هیات حاکمه آنرا حفظ کرده و مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه آنرا سرکوب میکند. اینست که این با رکل هیات حاکمه، کل سیستم موجود میباشند که مورد سؤال و نفی آنها واقع میگردد. و اینرا بوضوح در شعارهای مکرر آنها از قبیل مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر سرمایه داری، میتوان دید.

* * *

اگر با عدا عراض، و بر خوردهای طبقاتی موجود در نظر بگیریم،

ات خود به خلقها، دستاوردهای دمکراتیک توده ها در قیام و جنبش طبقه کارگر را ادا نمیدهد. بخصوص خرد بورژوازی حاکم همه و حتیگری و ترس خود را از جنبش انقلابی، با اقداماتی که انجام میدهد، بنمایش میگذارد. هیچ توهمی، هیچ منطق زمینی و آسمانی، هیچ چهره نوری و بیانات بخشی از حکومت، به زندگی سخت و طاقت فرسا "به تجربه روز-مره توده ها، به "منطق فقر و فلاکت" نتوانسته است غلبه کند. اینست دورنمای تشدید با زهم بیشتر مبارزات کارگران و زحمتکشان بر

دکه داران و بیکاران، حاضر بودند بحران اقتصادی سرمایه داری، وابسته را نامدتی پس از قیام، از آنجا که گمان نمیکردند این هیات حاکمه ممکن است بحران را حل کند تحمل نمایند. اما تجربه بزرگترین آموزگار انسان است. و تجربه میگوید که این هیات حاکمه نمایند. انقلاب توده ها نیست.

اگر توجه کنیم که مردم هر روز بیشتر پی میبرند که چگونه هیات حاکمه جدید به انقلاب آنها خیانت کرده و آنرا بر ضد آنها انقلاب برپا کرده است، بدیم که در چه وضعیتی این توهमत فرو میریزد. آنگاه با توجه به بحران اقتصادی سیاسی حاکم دورنمای هر چه وسیعتر شدن مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه حکومت موجود بر ما پدیدار میگردد. جنبش انقلابی به پیش میرود، و ابعاد جاری مبارزه خود را گسترش میدهد. جدایی مردم و جدایی کارگران در میان آنها از حکومت سیر فزاینده ای دارد. و ما میبینیم با وجود افزایش تبلیغات رژیم، با وجود آنگاه با زهم اعلام میشود حکومتی مدد در صدمه دلان بر روی کار آمده است و به خرافی ترین توهमत توده ها دست میآویزند، با وجود آنکه ذهن مردم را از مبارزه بر علیه عامل اصلی وضعیت کنونی منحرف میکنند، و رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و امکانات بی پایان هیات حاکمه و افزایش در خدمت قریب مردم و خنثی کردن تبلیغات کمونیستها و نیروی دمکرات میگردد، ولی باز سیر پرشتاب جدایی توده ها از هیات حاکمه را ماثله می کنیم و بر این سرمایه داری است که در میابیم که اوضاع تا چه حد بحرانی است. کار هیات حاکمه و علی الخصوص جناح خرد بورژوازی آن مضمناً نتایج و

علیه حکومت!

اگرچه بورژوازی حاکم در این اقدامات نقش خود را ایفا میکند و از ماضی کردن زیر هیچیک از اعلامیه های هیات حاکمه فرو نمیگذارد، اما تلاش جدید خود را آشهره برداری از پیچیده تر شدن اوضاع و تلاش هر چه بیشتر توهم توده ها و علی الخصوص رودرویی مستقیم آنها با جناح خرد بورژوازی حاکم به آینه موکول کرده است: بگذار آنها قبر خود را بکنند! بگذار آنها، در برابر توده ها قرار بگیرند! اما این ما، بورژوازی هستیم که بر سر آستان خاک خواهیم ریخت!

موارد دیگری از زمینه بهره بر داری آتی بورژوازی حاکم را در ارتباط با اقدامات جناح دیگر نیز ما میبینیم. چه در مورد حجاب، چه در مورد اخراج کارمندان، چه در مورد مسئله رانندگان تاکسی و اینبار در مورد بیکاران! آنچه که در اینجا اهمیت دارد، به هیات حاکمه بطور کلی و بورژوازی بدان دل خوش کرده اند. بازی با نیروی توده ها است. این امر با توجه به رشد جنبش و تلاش بورژوازی برای استحکام پایه های خود از طریق بزمین زدن برگ برنده، در برابر جنبش در آینه البته اهمیت دارد. لیکن اهمیت آن برای کمونیستها، که مدتی است واقفان بقیه در صفحه ۶

ابلهانه است هر آینه گمان کنیم جنبش خود بخودی کنونی، "خود بخود" تکامل میابد و خود بخود به شکل مناسب دزمی آید و بلبانه تراست اگر گمان کنیم جنبش انقیابی با اجازه ما رشد میکند. اکنون شرایط برای تربیت توده ها و احاطه افکار و آلترا تئو انقلابی فراهم شده است.

از آنجا که توزیع کنندگان متوسط، دکانداران و خرد بورژوازی توزیع کننده بطور کلی، آنرا در حکم تقسیم درآمد خود با بخشی از بیکاران، حساب میآورد (و واقعاً نیز چنین است) منجر به نارضایتی شدید آنها و تحت فشار قرار دادن دولت و علی الخصوص جناح خرد بورژوازی حاکم، برای برچیدن این دکه ها و به اصطلاح پاکسازی شهر میگردد. حکم سرمایه داری در مورد دکه داران به اجرا در می آید و به آنها اعلام میشود

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

پاسخ به نامه‌ها



انتقادات، تذکرات و تائیداتی که رفقای مختلف در نامه‌های خود نسبت به هیات تحریریه بعمل می‌آورند و واقع عکس العمل مستقیم وزنده خوانندگان ما است. آنهم خوانندگانی که بدست مسئولیت خود را در استفاده از امکانات غیرعلنی رساندن نامه بدست ما برآورده می‌سازند. محتوای نامه‌ها گویای دقت نظر این رفقا و نیز نشان‌دهنده آن سئوالاتی است که مقالات "رزمندگان" هنوز خوبیی از پاسخگویی آنها برنیا مده و یا ابهاماتی است که میبایست به آنها بپردازد. از همین مختصر می‌توان دریافت که نامه‌های شما چه نقش مهم و سازنده‌ای را برای پیشرفت کار هیات تحریریه و بهبود "رزمندگان" بعهده دارد.

اگرچه تعداد نامه‌ها (مگر در موارد خاصی) پاسخ تک تک به آنها را غیرمقدور می‌سازد، اما هرکدام از آنها تذکری است که کدام مسئله را باید مورد دقت و پاسخگویی قرار داد بهمین خاطر ما از تمام خوانندگانمان که امکان رسانیدن نامه بدست ما را دارند دعوت می‌کنیم که حتی الامکان ما را از برقراری این نوع تماس بهره مند سازند.

در نامه‌های خود حتماً نامی مستعار، تاریخ و شهر خود را متذکر شوید تا بتوانیم شما را از رسیدن نامه‌ها بدان مطلع کنیم و نیز در صورت لزوم پاسخ مشخص شما را از همان طریق ارسال نامه با زگردانیم.

● در تعدادی از نامه‌ها (بویژه نامه‌های رفیق حسن (کارگر) رفقا د. ت. و. ورمیعی از اصفهان) ضرورت یک تحول یا در واقع تکامل در امر تبلیغ و ترویج اشاره شده است. رفقا بدروستی متذکر میشوند که سطح مبارزات توده‌ها و مسائل مختلفی که در حین این مبارزات مطرح میشود، بگونه‌ای است که افشای گری‌های جوانب مختلف عملکرد هیات حاکمه برای نشان دادن ماهیت آن، در حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته، دیگر به تنهایی پاسخگوی سئوالاتی که بتدریج در ذهن توده‌ها، بویژه بخشهای پیشروی آنها، بوجود می‌آید نمی‌باشد.

هم چنانکه "رزمندگان" در مقالات شماره‌های اخیر خود به این نکته بسیار مهم اشاره کرده است، اکنون برای توده‌هایی که از گذشته

توهمات و اعتماد نسبت به هیات حاکمه در رابطه با توانایی آن در حل مشکلات و مسائل اساسی انقلاب و جامعه، خارج میشوند. این سئوال در جامعه عمومیت می‌یابد که کدام مت، کدام نیروی سیاسی، و کدام راه‌حلهای اساسی قادر به انجام آن چیزی است که هیات حاکمه از آن درمانده است.

البته این سئوالها در نزد لایه‌های پیشرو و آگاه توده‌ها مدت‌هاست که متفأ تکاپوی آنها برای جستن راه‌حل در میان جریان‌های مختلف انقلابی و یا کلاً جریان‌های سیاسی است. اما آنچه مشخصه جدید اوضاع سیاسی و اجتماعی را تشکیل میدهد پیوستن لایه‌های وسیعتری از توده‌های کارگر، و کلاً زحمتکشان جامعه به طیف وسیع جویندگان این سئوال‌هاست.

هرگاه این خصوصیت جدید سیاسی - اجتماعی را در متن وضعیت بحرانی جامعه (چه اقتصادی و چه سیاسی) در نظر بگیریم، و مبارزه رو به عمق طبقاتی زحمتکشان را بر علیه بورژوازی و نظام سرمایه‌داری وابسته را بر آن اضافه کنیم چشم انداز روشن و نویدبخشی را درمی‌یابیم که در صورت تشخیص و انجام وظایف بزرگ انقلابیون و بویژه کمونیستها قابل تحقق است. اهمیت پاسخگویی به این وظایف را ما با هم بیشتر متوجه خواهیم شد، اگر به شدت گمراهی رقابت‌های درونی حکومت و ضعف مجموعه آن در حفظ اعتماد توده‌ها نسبت به هرکدام از آنها دقت کنیم.

در کنار این بحران که بتدریج تمام جامعه را از "پاشین" و "بالا" بیشتر و بیشتر در خود فرو می‌برد، خطرات ناشی از تبلیغات و عملیات ارتجاعی آن دسته از ضدانقلابیونست که مشخصاً از انقلاب ۵۷ ضربه‌های بزرگ و مستقیم خورده‌اند (جریان‌های وابسته به رژیم شاه، به‌ختیار و ...). و بیهوش‌داند، در واقع این خطرات ناشی از دورنمای شکست جمهوری اسلامی است، که گسترش یافته و

منطق سیاسی - اجتماعی رجعت طلبی را از سوی ضدانقلاب سرنگون شده در اثر انقلاب ۵۷ امکان پذیر نموده است.

مجموعه این عوامل بصورتی جدی به کمونیستها گوشزد میکند که این‌ها را بزرگترین و مهمترین اقدام در شرایط کنونی بزرگترین این‌ها را از نظر سیاسی است. بیابان عبارت دیگر اکنون کمونیستها باید برای توده‌ها توضیح دهند که کدام حکومت، کدام راه‌حلهای اساسی قادر به حل بحران‌های عمیق جامعه و کدام نیروی انقلابی قادر به برآوردن این ضرورت بزرگ است.

مسائل پراهمیت فوق اکنون مدتی است که در صحنه توجه سازمان ما قرار گرفته است. ما امیدواریم که به سهم خود در پاسخگویی وظایف ذکر شده قدم برداریم، و اینکار را در قالب ضروری آن، یعنی ارائه یک برنامه هر چند عمومی اما جامع و آن شکل حکومتی که قادر به اجرا آن خواهد بود، به همراه تمام آن جنبه‌های اساسی که بتوانند عمل سیرکت حکومت فعلی و ضرورت روی آوردن توده‌ها بسوی کمونیستها و کلاً انقلابیون را توضیح دهد، تهیه کنیم. تنها به این صورت است که ما خواهیم توانست آنچه رفقا بعنوان ضرورت طرح آلترنا - تیو شعارهای مشخص طرح میکنند را پاسخ دهیم.

● رفیقی در نامه خود به مقاله نقدی بر بیانیه وحدت ("رزمندگان" ۱۲) اشاره کرده و در آن جمله‌ای نادرست دانسته است. این جمله چنین است: "پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم چیزی غیر از طبقات و اقشار بورژوازی، کلاً آن نیروهای است که از نظام سرمایه‌داری دفاع میکنند؟" رفیق متذکر شده است که در جمله فوق باید نظام سرمایه‌داری وابسته را قید نمود و نظام سرمایه‌داری بطور عام آنچه در این انتقاد صحیح

میباشد اینست که در این مرحله از انقلاب پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم در جامعه ما تمام آن نیروهای نیستند که در شیوه و مناسبات تولیدی سرمایه‌داری ذینفع بوده و لذا از آن دفاع میکنند حضور بخش عمده خورده بورژوازی در صف انقلاب بیش از هر چیزی این نکته را تا شید میکند. اگر چه ما در جمله فوق مدافعین یک نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بعنوان پایگاه‌های امپریالیسم ذکر کرده ایم و نه مدافعین مناسبات تولیدی سرمایه‌داری را بطور کلی اما هنوز معیار ما برای تشخیص "پایگاه‌ها" دقیق نیست. علاوه بر اینکه باید نقش پایگاه بودن نظام را نسبت به امپریالیسم نشان دهیم میبایست مشخصاً آن نیروی طبقاتی که برای احیای منافع لطمه خورده امپریالیسم و برقراری شرایط مطلوب امپریالیسم چه از نظر اقتصادی و چه اجتماعی و سیاسی تلاش میکند، و مستقیماً در این راه میکوشد را در این مقطع از سیر تحول

ت جامعه مشخص کرده و به این پایه پایگاه طبقاتی امپریالیسم را روشن میساختیم. این نیروی طبقاتی در شرایط کنونی طبقه بورژوازی است که البته منظور تمام عناصر آن نمی‌باشد. این طبقه است که مستقیماً و بلاواسطه چه از نظر اقتصادی چه از نظر اجتماعی و سیاسی در خدمت امپریالیسم میباید. شکی نیست که این نیروی طبقاتی مدافع مناسبات و طبقاتی نظام سرمایه‌داری است. بسته در این راستا، اما آنچه میباید نقطه شروع ما در روشن نمودن سئوال فوق باشد تشخیص هویت طبقاتی پایگاه امپریالیسم - در این مقطع از مبارزات طبقاتی - و نشان دادن انطباق منافع آن با منافع امپریالیسم میباشد. به این خاطر ما باید چنین بیان می‌کنیم که: "پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم در این مقطع از مبارزات طبقاتی جامعه طبقه بورژوازی است."

ذکر نکات فوق که برای نشان دادن اینست که ما از چه لحاظ انتقاد رفیق را نسبت به این سهل انگاری قبول میکنیم و چه اصلاحی را در آن ضروری میدانیم، در بر خورده‌ما به "وحدت انقلابی" در این مورد تغییر و آرد نمی‌کند. بلکه آنرا روشن تر میسازد. "وحدت انقلابی" نه تنها پایگاه امپریالیسم را به سرمایه‌داران بزرگ وابسته و زمین‌داران و مالکان بزرگ محدود میکند و آنرا به طبقه بورژوازی متمم نمیدهد، بلکه نیز با تحلیل بورژوازی و از وی ملی "درواقع بورژوازی لیبرال را از جرگه پایگاه‌های امپریالیسم خارج میکند یعنی نیرویی را که در قدرت سیاسی حضور مهمی داشته و نقش درجه اول را در عهده دار بودن منافع مستقیم امپریالیسم بازی می‌نماید.

بقیه از صفحه ۱

جنگ و صلح در ...

حوضه این مقاله خارج است با اشکال متفاوت ترکیب یافته و با جنگ های دوره ای، آتش بس ها، مذاکرات، ... جنبش مقاومت و غیره همراه میگردد. از آنجا که پیروزی قطعی بر هیات حاکمه محصول خیزش عمومی کارگران و زحمتکشان و همه خلقهای ایران است، و با وجود پراکندگی و عدم توازن و هم سطحی در مبارزه در کردستان دولت قاربه تمرکز نیروز و ... میباید، نمیتوان انتظار داشت که بلایا طه خلق کرده پیروزی دست یابد. از این نظر و بطور کلی نشیب و فرازهایی در جنبش انقلابی بروز خواهد کرد که محتاج انعطاف لنینی و سازش یا مذاکره یا ... میباید. ما مخالف سازش، مذاکره صلح، یا آتش بس بطور کلی نیستیم. ولی هیچگونه مذاکره، سازش و ... نباید ما را نسبت به وظایفمان در قبال "طبقه کارگر، هدف انقلابی، به وظیفه ما برای صاف کردن راه برای انقلاب و آموزش توده مردم - ای پیروزی در انقلاب" ذر های متحرف نماید و یا به کجراه بکشانند. تنها چنین سازشی، میتواند از لحاظ مارکسیسم نه تنها معنی دار بلکه اصولی و صحیح باشد و بس! این در ایتمورد در نوشته خود (درباره سازش) نوشت:

برای انقلاب، و آموزش توده مردم برای پیروزی در انقلاب صاف باید باشد.
درباره تاکتیکها، ص ۱۸ تا - کید و خطی از ما است.
او بر این اساس است که میگوید:
"از نظر من، بلشویکها که با رتیزانهای انقلاب جهانی شیوه های انقلابی هستند، ممکن است و باید این سازش (منظور سازش با اس - ارها و منشویکها در یک لحظه یا شرایط معین در سال ۱۹۱۷ است - رزمندگان) موافقت کنند....."
همانجا - ص ۱۹
بنابراین در شرایط کنونی کردستان نیز طرح هرگونه سازش که اصل فوق را زد کند، سازشی اپورتونیستی است. سازشی است که نه مبتنی بر منافع انقلاب و نه تاکتیک موقتی در خدمت استراتژی بلکه در جهت نفی انقلاب و بهر کودکشان...

همراه دمکرات ها و دیگران (و همین طور همکاری با دمکرات ها در مراحل مختلف (علی رغم ماهیت آنها) اشاره کرد. در همه حالات فوق ما دیدیم که هدف اصلی و استراتژیک یعنی انقلاب و حقوق اساسی خلق کرد، با - بمال و نفی نشده اند. بلکه برعکس این تاکتیکها از آنجا که مبتنی بر انکاء به انقلاب و رشد توده ها و سازش ندهی آنها در مبارزه برای هدف نهایی بی بودند، در مبارزات بعدی و جنبش مقاومت خلق کرد نقش برجسته ای ایفا نمودند. آنها بطور موقت شرایط نامساعد را پذیرفتند اما تاکتیک در اینجا نافی استراتژی نبود. آنها به توده کرد نگفتند: جنگ برادرکشان "استلا" آنها برای علیت جنگ، محافل جنگ افروزرزرا نتراشیدند. و در توده ها نسبت به هیات حاکمه توهم ایجاد نکردند. آنها (وبقیه کمونیستهای منطقه) بدرستی دشمنان خلق کرد و ما هیات حاکمه را افشا نمودند و در بنکها و اتحادیه های دهقانی تا حد ممکن به پرورش سیاسی و مبارزاتی مردم پرداختند و جنبش انقلابی را

وقتی میگویند نیروهای یعنی و عوامل امپریالیسم آمریکا و شاه فراری در منطقه مشغول فعالیتند. "س.ج. گمان میکند که در مقابل آنها باید تسلیم ضد انقلاب حاکم گردید. نیروهای انقلابی هر جا که نیروهای ضد انقلاب باقی وجود داشته باشند باید مستقل از حکومت، مستقل از ضد انقلابی که با ضد انقلاب دیگر میجنگد، آنها را سرکوب کند و در این راه، به توده ها، بسیج آنها و فقط استقلال خود اتکاء نماید.

نیروهای منطقه را به رودرویی بکشاند. طبیعی است که انقلابیون هشیارا نه با بدفعلیت های ضد انقلاب را تعقیب کنند و دست سازشکاران را ببندند. معنی این امر داشتند. طرح ویرانه مشخص برای ادامه جنبش مقاومت همچنین تعریف در جنبه سیاسی است. داشتن طرح ویرانه مشخص برای ادامه جنبش انقلابی کردستان، ابدأ به معنای آن نیست که از موضع تسلیم، با قوای اشغالگرو هیات حاکمه وارد محلی شده که جز به معنای قبول شکست در کردستان نیست. به معنای ترک جنبش انقلابی نیست زیرا اساس استمرار و تداوم جنبش مقاومت و تاسیس تربیت و سازماندهی توده ها است.

"س.ج." وقتی میگوید کافیه است دولت موضع خود را در قبال خود مختاری اعلام کند تا ما از آن حمایت کنیم (بدون اینکه معلوم باشد اصلاً این موضع چیست)، وقتی جنگ را "برادرکشان" توصیف میکنند و محرک اصلی آنرا "محافل جنگ افروزرز و انگیزه آنرا "جنگ افروزی" مینامند. وقتی حاضر میشود به پیشنه ساد بهشتی آنچه را به توده گفته است پس بگیرد، و به تبلیغ ایده های پسا سیفیمی بپردازد، دیگر نه از موضعی انقلابی، نه از موضعی لنینی که از موضع تسلیم طلبانه به سازش و ضربه زدن به جنبش خلق کرده بود حکومت "خلق" پرداخته است.

طرح طلسمی "س.ج." تاکتیکسی نیست اما استراتژیک است. آنها بجای تحکیم جنبش مقاومت، آموزش و آماده کردن مردم برای ادامه جنبش مبارزه، ایجاد وحدت و سبقت میان جنبش خلق کرد و جنبش سرتاسری در ایران، تأمین شرایط مساعد برای گسترش ایجاد مبارزه خلق کرد و تریب کب حقیقی آن از لحاظ سیاسی و عملی با جنبش در سایر نقاط، و خلاصه ادامه انقلاب، بطور کلی به فریب خلق کرده پرداخته اند، و بس! آنها توصیه میکنند که حول شعار "مژک برای امپریالیسم جهانی" با هیات حاکمه متحد شوند! دشمن طبقاتی آنها را از نظرشان مینانند. زند، وحدت حقیقی و اثربخش خلق کرد را در حفاظت و صیانت از دستاوردهای قیام بهمین ماه تاکنون نفی

سازماندهی و تقویت کردند. این شیوه نافی استراتژی نیست. در شرایط کردستان امروز، با توجه به مواضع نیروها و اوضاع عمومی جنبش انقلابی، اشغال شهرهای کردستان و بطور کلی با در نظر گرفتن خط عمومی جنبش انقلابی مهمترین وظیفه انقلابیون سازماندهی جنبش مقاومت خلق کرد و پیشبرد آنست. در مسیر این خط اصلی، که به مثابه پشتوانه اساسی جنبش و نیروی قهر فرور برای شرایط کنونی کردستان است، و باید ایده آنرا در میان توده های کرده گسترش داد، نباید مکان هر گونه مذاکره و سازشهای ضروری و موقتی را ندیده گرفت. ضد انقلاب قصداً ردبا تفکیک نیروهای منطقه و قبول یک بر نامه فریبکارانه (که حتی به آن نیز پای بند نیست)

جنبش انقلابی میباید. تجدید مباهات و شرایط معین به پرتسیب و بهره برداری فرصت طلبانه کردن از آن در جهت واژگون سازی واقعیت مبارزه طبقاتی و ترک جنبش انقلابی و خلاصه کلام پایممال کردن هدف و استراتژی در برابر منافع تاکتیک و پراگماتیستی است و لا غیر. اما "س.ج." شعار صلح عادلانه خود را بر چه پایه ای میدهد؟ و آیا این پایه لنینیستی و هم سو با منافع انقلاب است؟ قبلاً بگوئیم در کردستان تاکنون چند مورد با اهمیت از سازشهای تاکتیک و انعطاف انقلابی از ناحیه کومه له دیده شده است. بطور مشخص میتوان به تاکتیک کومله در مورد شرکت در انتخابات (در شرایط کردستان) و شرکت در مذاکرات (به

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم!

جنگ و صلح در . .

میکنند چنین کاری جز تسلیم طلبی و عوام فریبی برای توجیه اپورتو -

تیسیم راست چیست؟

وقتی "س.ج" به این صورت راجع به "ملح طلبی" ساکنان خود سخن میگوید، آنگاه مضمون اصلی استدلال های ملح طلبان آنها آشکار میگردد:

"ما اعتقاد داریم از آنجا که دشمن اصلی خلقهای ما امپریالیسم آمریکاست هرگونه دفاع از حقوق دمکراتیک خلق کردالزما از کمال مبارزه با دشمن اصلی ما میگذرد. بدین جهت باید علیه اصلی حمله خود

کار، ۶۲، ص ۱۴

"ما ممبران دولت جمهوری ایلامی و شخص رئیس جمهور می خواهیم به خاطر پایان بخشیدن به جنگ برادرکشی در کردستان، اقدام جدی به عمل آورند." نیروهای هوادار... وظیفه دارند... مردم... را اگر دشمنان مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا "برقرار با صلح عادلانه در کردستان" بیسج و متشکل نمایند... همانجا

ما مخالف سازش، مذاکره، صلح، یا آتش بس بیطوکللی

نیستیم ولی هیچگونه مذاکره، سازش و... نباید ما را نیست به وظایفمان در قبال "طبقه کارگر، هدف انقلابی، به وظیفه امان برای صاف کردن راه برای انقلاب و آموزش توده مردم برای پیروزی در انقلاب "ذره ای منحرف نمایند یا به کجراه بکشاند.

"س.ج" بجای توضیح نیروهای حقیقی درگیر در جنگ، بجای اینکه نشان دهد جنبش خلق کرد تاکنون چه نقش عظیمی در پیشبرد انقلاب داشته است سر تا سر آن را بسود عوام مل رژیم شاه ارزیابی میکنند و نمی بینند که در واقع دوسوی جنگ، انقلاب و ضد انقلاب است. او دشمن رودر روی توده ها را خلق مینامد و از "حاکم و محکوم" میخواهد صلح کنند، فراموش کنند، و حول نیزه های آمریکا متحد شوند. و جالبست که تقاضای صلح خود را از دولتی میکنند که یک بخش آن را همین لیبرالها و... تشکیل داده اند. آنها از هواداران نشان نمیخواهند که مضمون حقیقی آنچه را گذشته به توده ها بگویند و آنها را برای انقلابی واقعی آماده قان تربیت کنند.

وقتی میگویند نیروهای بعثی و عوامل امپریالیسم امریکا و شاه فراری در منطقه مشغول فعالیتند و "س.ج" گمان میکند که در مقابل آنها باید تسلیم ضد انقلاب حاکم گردید، کاملاً روشن است که این گمان فقط و فقط میتواند از عدم درک راه صحیح ادامه مبارزه ناشی شده باشد. نیروهای انقلابی هر جا که نیروهای ضد انقلاب سابق وجود داشته باشند

را متوجه آن عناصر و نیروها بیسی نمائیم که مجری سیاست های امپریالیسم در منطقه میباشند که در اساس تمامی آنها نیروهای ضد خلقی وابسته به رژیم فاشیستی بعث و امپریالیسم آمریکا قرار دارد. ما میدانیم که عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه (!) که در اساس آن فرماندهان مزدور ارتش قرار گرفته اند (انسانها بدخیلی فراموشکار را شد تا فراموش کننده کسی در ۲۷ مرداد ۵۸ دستور حمله به کردستان را صادر کرد!) و از ارتش (!) خود است اطاعت کند و فرماندهان با سر بنیال این هدیه شتافتند! سیاست های خود همسرو همگام با مزدوران وابسته به بعث و امپریالیسم آمریکا عمل میکنند. محاصره، اتمام دی کردستان، ... تلاش جهت حل مسئله کردستان از راه نظامی، بهتر بین شرایط را برای عوامل وابسته به بعث و آمریکا در منطقه فراهم میآورد... این عوامل (جنگ افروز حکومت) به خوبی میدانند که... این سیاست که به نارضایی مردم و توده ارتشی، نامیزند... تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم خدمت میکند!

شدن باید مستقل از حکومت، مستقل از ضد انقلابی که با ضد انقلاب دیگری می جنگد، آنها را سرکوب کنند و در این راه به توده، بسیج آنها و حفظ استقلال خود اتکا نمایند. اگر حتی ضد انقلاب درستی با همان نیروهای ضد انقلاب پیشبرد جنبش انقلابی خلق کرد نیست و در صورتی که بدرستی و پیگیرانسه دنبال شود (مثل خلق سلاح سپاه رزگاری از طرف کومه له، که در همان زمان فریاد "س.ج" بلند شد که چرا به سپاه رزگاری در زمانی که مورد حمله دشمن واقع شده ایم حملسه میشود و یا انتقاد "س.ج" به حملسه کمونیستها و کومه له به قیاده موقت که "س.ج" آنرا غلط ارزیابی کرده بود!) به توسعه جنبش انقلابی و تأمین استقلال و رشد نیروهای کمونیست در این ارتباط منجر میشود. ولی اگر چنین تهدیدی را تبدیل به نیرویی برای همکاری و اتحاد و تغییر موضع در برابر حکومت بکنند (که "س.ج" کرده است) آنگاه دیگر بر احتی میتوان گفت که چنین خط مشی از انقلاب بدور است. (۲)

آنها "سازش خروشچفوسی" سازش اپورتونیستی را جایگزین جنبش مقاومت خلق کرد و "انطفخنینی" کرده اند زیرا از ابتدا حرکتشان را بر ضد اصول لنینی و واقعیت عینی تنظیم کرده اند.

"س.ج" عمل خود را گردن نهادن به جمهوری اسلامی، قبول ترک مبارزه طبقاتی، رسداده ترین اصول مارکسیسم، بگردن علل ایگزنیومیست و از او ایمان انقلابی و آمادگی توده ها برای مبارزه آتی و قطعی بسرعت میکاهد اینست همه مطلب! اختلاف کوچکی است! اختلاف میان مارکسیسم و رویز یونیسیم!

اینست تقاضای دوازده ساله سازش را تا کنون گذاشتن انقلاب به پیش میبرند! آنها استراتژی انقلاب را الگومال تاکتیک مصالحه میکنند و منافع کارگران و زحمتکشان ایران را در پای حکومت قربانی مینمایند. لنین میگوید: "افراد ساده لوح بکلی بی تجربه گمان میکنند همیقدر کافست که مصالحه بطور اعم مآذون شمرده شود تا هرگونه حدفاصلی بین اپورتونیسیم، که ما بطور آشتی ناپذیری علیه آن مبارزه میکنیم و با بسند

مبارزه کنیم، و مارکسیسم انقلابی یا کمونیسیم از بین برود... آنچه که در مورد مسائل عملی مربوط به سیاست هر لحظه تاریخی میبینیم خاص مهم است اینست که انسان بتوجه اندسایلی راکه در آنها عمده ترین نوع مصالحه های غیر مجاز و خائفانه متجلی میگردد که مظهر اپورتونیسیم است که برای طبقه انقلابی هلاکت با راست تشخیص دهد و تمام مساعی خود را متوجه روشن ساختن آنها سازد.

تاکید دوخطی از ما است، انتخابات فارسی ۷۵۲ اما "س.ج" ساده لوح و "بکلی" بی تجربه نیست. آنها میدانند که مصالحه بر سر انقلاب اپورتونیسیم است و میدانند کتانی که "سرکوبگر خلق کرده است" بر خلق راه هم سرکوب میکنند و میدانند در کردستان یک صلح پایدار در چهار چوب نظام حاکم نمیتواند معنی داشته باشد. و میدانند خلق کرد دست از مبارزه نخواهد کشید و با پایداری برای مبارزه قطعی به همراه همه خلق ایران تربیت کرد و در شرایط کنونی جنبش مقاومت خلق کرد را از زمان داد آنها همه این چیزها را بکلی میدانند. پس چه شده است که آنها اپورتونیسیم را به مارکسیسم لنینیسم ترجیح داده اند. انقلاب را فراموش کرده اند و توده ها را از مبارزه برای نابودی سیستم

سرما به داری وابسته به امپریالیسم قطع کامل دست های امپریالیست ها از ایران بشبوه انقلابی منصرف میکند: همه با هم... اینست شعار اپورتونیستی "س.ج" که برادر بزرگترش مدت ها ست تکرار میکند. آنها بطور اعم با حکومت ضد انقلابی سازش میکنند و حتی ماهیت حکومت را نیز مثل همه اپورتونیستها غیر

اشاره به شمار سرگوتگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند. کار، شماره ۶۲، ص ۱۳

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!



جنگ و صلح در...

طبقاتی و خارج از مبارزه طبقاتی توضیح میدهند. کار تمام است!

"ملحی" که "س.ج." جستجو میکند استراتژی را نمی خواند!

این ملح از موضع اپورتونیستی ارائه شده و مبتنی بر موازنه بیکران با هیات حاکمه ضد انقلابی است، نه بر

انقلاب! بیادید باور بیم سخنان درخشان انگلسرا که لنین در "بیماری کودکی..." نقل کرده است:

"چنین قضاوت مینماید؟ وقتی فلان مصالحه برای بلشویکها

ما ذون با شدیس چرا برای ما هر گونه مصالحه ای ما ذون نیاشد؟ و لسی

پرولترها که در جریان اعتصاب عدید ترویت یافته اند (ما فقط ایمن

مظہر مبارزه طبقاتی را در نظر میگیریم) معمولاً این حقیقت

بسیار عمیق (.....) را که انگلس بیان داشته است ملکه خود میسازند

هر پرولتری در اعتصاب شرکت ورزیده و ناظر "مصلحه های" استمگران و استثماریان منفور خود

بوده است که در آن کارگران مجبور میشدند بدون اخذ نتیجه و یا

در مقابل اجابت جزئی از خواستهای خود دوباره بکار بریزد. هر

پرولتری، در نتیجه آن شرایط مبارزه، توده ای و آن حدت فوق

العاده تناقضات طبقاتی، که در آن بستر میبرد، مشاهده میکند که بین

مصالحه ای که شرایط ابژکتیو آنرا ایجاد میکند (.....) و بیچوچو

از ایمان انقلابی و آمادگی کارگران نیکه بدان تن در میدهند. برای

مبارزه ای نمیگردد. مبارزه ای که توسط خائنین

بفعل میاید که گناه استفاده جوی خود (.....)، جن خود، تمایل خود را

به خوش خدمتی در برابر سرمایه - داران وین سستی خود را در برابر

ارباب و گاه اقتناع و گاه صدقه و گاه خوش آمدگویی سرمایه داران بیکر

دن علل ابژکتیو میاندازند، بین ایندو مصالحه فرق وجود دارد...."

منتخبات س ۷۵۲

آری بین ایندو فرق وجود دارد: موازنه "س.ج." از نسوع دوم

است. او اینرا هر کسی که لحظه ای به تاکتیکیهای "س.ج." و جنبش

انقلابی بنگرد میفهمد!

نتیجه: "س.ج." بطور کلی

بجای ارائه راه حلی که شیوه انقلاب بی رادکردستان پیش بگیرد و

آنها را با بطور انقلابی به سایر خلیقهای ایران منتقل نماید، به

شیوه اپورتونیستی هیلناکی در غلطیده که میتواند (وحتماً) عواقب

ظرفناکی برای جنبش انقلابی داشته باشد. و عواقبی که تا عملی

شدن سلیتا پورتونیستی در قبایل کمونیستها، و در کنار حکومت

میتواند پیش رود! "س.ج." عمل خود را گردن نهاده

دن به جمهوری اسلامی، قببول ترک مبارزه طبقاتی، رد ساده ترین

اصول مارکسیسم، بگردن علل ابژکتیو میاندازد و از ایمان

انقلابی و آمادگی توده ها برای مبارزه ای و قطعی سرعت میکاهد

اینست همه مطلب! اختلاف کوچکی است: اختلاف میان مارکسیسم و

روزیونیسم!

ما تاکید میکنیم که هرگونه سازش که بر اساس فریبخوده ها،

آشتی دادن آنها با خدا انقلاب، و کنار گذاشتن مبارزه ای و قطعی باشد

تنها و تنها اپورتونیسم است و بس! آنچه که امروز برای جنبش

انقلابی کردستان پیش از هر چیز اهمیت دارد حفظ موضع اصولی خود

و تدوام جنبش مقاومت خلقی است. اگر شرایط کنونی سازشهای را -

بجای نماید، تنها بدین سازشها به قیمت ترک جنبش انقلابی... باشد

و تنها با پدمبتنی بر آدام جنبش و استراتژی انقلابی نایب شود. ی

سیتم سرمایه داری وابسته و آزادی حقیقی خلقها و قطع کامل نفوذ

امپریالیسم در ایران باشد. عقب نشینی باید برای حمله صورت

گیرد نه برای قرار نگونه که "س.ج." در پی آنست: فرار از جنبش انقلابی

جدی که سرانجام حتی شهادت دوتن از آغازی خود را اینگونه

توصیف میکنند:

"ما اعدام، این رفقا را به عنوان اقدامی تحریک آمیز و

جنگ طلبانه محکوم میکنیم و اعتقاد داریم چنین اعمالی جز تشدید هر چه

بیشتر درگیریها و ایجاد خصومت (میان خلق کردو هیات حاکمه ۴)

نتیجه ای نخواهد داشت." کار ۶۳، داخل پراستراژ ماست

کوبی کردستان تا کنون منطقه صلح، دوستی، عشق میان

خلق کردو هیات حاکمه بوده است و شهادت دور فیک فدایی

بدست جلادان رژیم در آن ایجاد خصومت خواهد کرد. زیرا همین هفته

قبل "س.ج." و گروهگان خود را آزاد کرده است!

"پایان"

●- جنگ برادرکنی در واقع امکان ناپذیر نیست. این جنگها

بقیه از صفحه ۲۰

سرمقاله...

حضور فعال خود را در جنبش توده ای نشان نداده ایم، و نتوانسته ایم

این توده های گریزنده از حکومت و بیزار از هیات حاکمه را جذب نمائیم.

از آنجائی که میشود که وظیفه پیشبرد مبارزات انقلابی توده ها و بسیج

آنها به عهده ما است. اکنون واضح شده است اپورتونیسم

نیست و سازشکاران با کنار کشیدن از جنبش انقلابی، و طرفداران

برخورد فعال با آن، فرصتات سهمگینی به این جنبش وارد میکنند

اپورتونیستها حکومت را در چگونگی فروتنان جنبش انقلابی راهنمایی

میکند و سازشکاران دمکرات با سکوت و برخورد "قانونی" با حکومت

"قانون" توده ها و مبارزه انقلابی را بزرگترین مینهند در این شرایط البته

وظیفه ما صحتدان میگردد. پتانسیل مبارزات انقلابی بدان حدی است

(و با بدان حدخواهد رسید) که اپورتونیسم و سازشکاری را از میدان

به درخواهد کرد.

توده ها نخواهند گذاشت بسادگی سابق فریبشان دهند. اما این

وظیفه ما است که چنین جنبشی را سازماندهی کنیم و آگاهی ملزوم آنرا به

میان توده ها ببریم. ابلهان است هر آینه گمان کنیم

جنبش خود بخودی کنونی "خود بخود" تکامل میابد و خود بخود به شکل

مناسب درمی آید. و ابلهان تر است اگر گمان کنیم جنبش انقلابی با

اجازه ما رشد میکند. اکنون شرایط افکار و آلترنا توی انقلابی فراهم

شده است. شرایط برای پذیرش تبلیغ وسیع کمونیستها و پرده برداری

از ماهیت حکومت در میان اقشار وسیع مردم فراهم گردیده، و از این

پس این ماهیت که مشمول توسعه و تکامل صحیح جنبش خواهیم بود، آنچه

را تا کنون نتوانستیم انجام دهیم، باید انجام دهیم. و بسیاری عوامل

برای انجام سریعتر، دقیقتر و فعالانه تر این وظایف آماده است. جنبش

انقلابی و ج و نشیب خواهد داشت اما مجموعاً به پیش میروند، آستین ها

را بالا بزنید!

★ رفقا! هواداران! هم میهنان مبارز!

کمک های مالی شما نقش مهمی در ادامه کاری و گسترش فعالیت ما و اهداف انقلابی سازمان ما دارد. این کمکها را بمنتوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید.

برای اطمینان شما از دریافت کمک های مالی ما به سازمان از این به بعد یک عدد بمنتوان کدانتخاب کرده و به همراه نام اول حرف خود به دریا بمنتکننده کمک مالی دهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و نشریه درج میکنیم.

مثلاً اگر مبلغ پرداختی شما ۷۰۰۰ ریال و کدانتخابی ۹۵ حرف اول نام شما "ج" باشد در ستون کمک های مالی دریافت شده "ج ۷۰۹۵" را ملاحظه خواهید نمود.

بقیه از صفحه ۸

خلق و ضد خلق ...

این کم مایگی وضع ادبیات م. ل ایران است که اجازه داده است تا به چنین قالب بندیها و فرمول بندیهایی متوسل بشود که بدرآد آموزش سنت و آزا میکی میخورد، تا اینکه بکار م. ل آید. زیرا که م. ل پیش از آنکه مفاهیم و مطالب را در قالب ها و الگوها بریزد، از جوانب مختلف آنها را بررسی و کاوش کرده، سپس به فرمول بندی میپردازد. توسل به قالب بندی پیش از دستیابی به احاطه همه جانبه و کاوش در عمق پدیده ها سطحی نگری و بی توجهی به عمق و جوانب مختلف هر پدیده را میرساند. بجای آنکه مجهز به دانش عمیق و جامع الاطراف نسبت به پدیده ها گردد، سعی در این دارد که با چند قالب و تست شناسایی خود را در مورد اورتکمیل و خلاص نماید.

وانگهی جفت واره های آنچنانی و مجهز کردن آنها به تعاریف و توجیحات من درآوردنی که دست و پای کاوشگر را در برخورد به موضوعات اجتماعی میبندد، و به دگما تیسیم میانجامد، در قاموس ادبیات م. ل نمیگنجد و هرگز از چنان قالب بندیهای تمام شده و آن جفت واره ها خبری در نوشته های مارکس و انگلس نیست.

اگر در نوشته های مارکس و انگلس نشانی از قالب بندی "خلق و ضد خلق" بیچشم نمیخورد، در عوض از مفهوم "خلق و حتی" انقلاب خلقی بکرات یاد شده است. حال ببینیم که مارکس "خلق" را بچه معنای بکار برده است. آیا منظور او از "خلق" همان است که "پیکار" را ارائه میدهد؟ یعنی اینکه مارکس خلق را در معنای استراتژیک و کلی مفهومی نیروهای اجتماعی بکار برده، و آنرا از انقلاب و ضد انقلاب به مفهوم صف بندی تاکتیکی و مشخص متضاد بزرگ کرده است؟ یا اینکه برعکس "خلق" را در رابطه با "انقلاب" درک مینموده است؟

لنین شاگرد کبیر مارکس و انگلس بروشنی و بدقت درک مارکس از مفهوم "خلق" یا "انقلاب خلقی" را تشریح نموده است، چنانکه میخوانیم: "مارکس از "مردم" صحبت میکند، ولی ما میدانیم که او همیشه بر ضد توهمات خرده بورژوازی در باره وحدت "مردم" و در باره فقدان مبارزه طبقاتی در درون مردم بپرحمانه مبارزه میکرد. مارکس با استعمال کلمه مردم اختلاف طبقات را رویوشی نمیکرد، بلکه عنایت مرعینی را که میتوانند انقلاب را به آخریا نند متحد مینمود"

ص ۸۶، ۲، م. ل، یکجلدی، تاکیدزماست.

نقل قول فوق بخوبی روشن میکند که "خلق" یا "مردم" در م. ل بچه معناست، و در عین حال توضیح میدهد که عامل تعیین ظرف "خلق" چیست. لنین از نظر مارکس "خلق" را شامل نیروهای میدانندگانه میتوانند انقلاب را به آخریا نند. این تعریف اولاً بوضوح نشان میدهد که عامل اصلی تعیین دایره مفهوم "خلق" انقلاب میباشد. یعنی مبارزه در راه سرنگونی قهرآ میز طبقه حاکم، و در نتیجه حفظ بطلان بر روی احکام من درآوردی "پیکار" میکند که خلق را بنا بر موقعیت عینی در ساخت اقتصاد - اجتماعی - تعریف و تعیین میکند. در ثانی درک و تعریف مارکس روح مارکسیسم - لنینیسم را که توجه بی وقفه به مبارزه طبقاتی دارد، در خود زنده دارد. تعریف مزبور بخواه بی جوهر اساسی مارکسیسم - لنینیسم را که همان تغییر جهان باشد، و نه تفسیر آن، متجلی میسازد. مارکس "خلق" را بنا بر نقش آن در رابطه با دیگر گونی جامعه موجود توضیح میدهد، نه بنا بر موقعیت و وضعیت آن در همان جامعه. این تعریف هرگز اسیر وجه وحدت مبهم "خلق" نمیشود و از اینسوی قضیه یعنی جنبه، وحدت، کلی و انتزاعی مفهوم خلق آغاز نمیکند. بلکه از سوی روند مشخص و اساسی "انقلاب" و در نتیجه تضادهای درون مفهوم خلق و کلاً تصویر مشخص درون خلق بیسه آن، منبگرد، و در نتیجه همیشه تنها بر طبقاتی و ماهیت طبقاتی درون آن سرا

بدواً در نظر دارد، و بدین خاطر این نوع درک و تعریف از "خلق" مانع از است که اسیر جنبه صوری و انتزاعی خلق بشویم، و خلق را فقط ف ثابتی تلقی نمائیم که برای یک مرحله تا موتام تاریخی نیرو - هایی را بطور ثابت در آن بگنجانیم. و هرگز تغییر پذیری محتسوا ی آنرا در رابطه با تغییرات ناشی از دینا نیک مبارزه طبقاتی، علیرغم ثبات سیستم حاکم، در نظر نگیریم. بنا بر این تعریف فوق هم اساساً به دینا نیک مبارزه طبقاتی توجه دارد، و هم اینکه اسیر وجه وحدت خلق و نادیده گرفتن تضادهای درون آن نمیشود، و تبعاً در مقابل بوپولیسیم میایستد.

بدین ترتیب مفهوم "خلق" از نظر م. ل بنا بر انقلاب و مبارزه طبقاتی که انقلاب مستقیماً از آن حاصل میشود، تعریف میگردد، اما مفهوم خلق و نیز جفت آن "ضد خلق" از نظر پیکار بنا بر ساخت اقتصاد - دی - اجتماعی تعریف میشود. م. ل مبنا را مبارزه طبقاتی و روند انقلاب قرار میدهد، و پیکار را وضع اقتصاد دی را، بدلالی که پیشتر با ز گفتیم اساس قرار میدهد. خلاصه آنکه تعریف پیکار در مقابل تعریف م. ل از "خلق" واقع میشود و از آنجا که مبنا ی آن مبارزه طبقاتی، نبوده، و عمدتاً به موقعیت اقتصاد دی توجه دارد، جنبه اکوتو - مستی در معنای در مینتیسیم اقتصادی دارد.

لنین تعریف مزبور از "خلق" را بدین لحاظ در آنجا ارائه داد. تا نشان دهد که بورژوازی لیبرال در صف خلق نمیگنجد. تمام تلاش لنین در آنجا اینست که ثابت کند خلق شامل کارگران و دهقانان و نسبتاً خرده بورژوازی شهری است و نه بورژوازی لیبرال. و این نظر خود را نیز بنا بر این امر ثابت میکند که بورژوازی لیبرال بمشال - به طبقه بورژوازی در جهت پایان رساندن انقلاب حرکت نمیکند. اما کارگران و دهقانان در این مبارزه بزمیرگام بر میدارند. چنانکه مینویسد:

پیکار برای درامان نگاهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما - یعنی خرده بورژوازی سنتی مر - فه از دم قبح انقلاب مساله "نابودی فیزیکی" را بمعنیان میکند. بدین معنا که اگر فلان گروه را ضد خلق و یا مرتجع بحساب آوریم، ناگزیر از نابودی فیزیکی آن هستیم

"شکی نیست که اجزاء (۱) مهم آن "مردمی" که مارکس در سال ۱۸۴۸ تا آنرا در نقطه مقابل ارتجاع مقاومست کننده و بورژوازی خیانت کننده قرار میداد، پرولتاریا و دهقانان میباشد. شکی نیست که در روسیه ما هم بورژوا - ازی لیبرال و حضرات کارکنان "آسوبا و دنیه به دهقانان خیانت میکنند و خواهند کرد بدین معنا که با فرمهای دروغین کریبان خود را خلاص خواهند نمود، و در مبارزه قطعی میان ملاکان و دهقانان جانب اولیها را خواهند گرفت"

ص ۲۸۷، همانجا

نکته بینان ممکن است بگویند که لنین در اینجا اجزای خلق یا مردم را بر شمرده و جز، یا اجزاء دیگر آنرا معین ننموده است، البته که این چنین است، و در اینجا لنین جز، دیگر خلق را که خرده بورژوازی باشد ذکر کرده است، و آنرا در جای دیگر ذکر نموده، چنانکه میگوید:

"نیرویی که قادر است به پیروزی قطعی بر تزاریسیم نایل گردد، فقط ممکن است مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند، در صورتیکه نیروهای اساسی و بزرگ در نظر گرفته شود، و خرده بورژوازی ده و شهر (که ایضاً از "مردم" هستند) بین این و آن تقسیم گردد. ص ۲۵۷ همانجا

با در صفحات دیگر لنین با محتوای خلق را تشریح نموده است:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

خلق و ضد خلق ...

"بورژوازی ... همینکه از دمکراتیسم پیگیریم (و هم اکنون در حال رسیدن است!) من حیث المجموع بسوی ضد انقلاب، بسوی حکومت مطلقه روی خواهد آورد و بعلیه انقلاب و علیه مردم دست به عمل خواهد زد. باقی میماند مردم" یعنی پرولتاریا و دهقانان. همانجا

بنا بر این لنین هرگز بورژوازی لیبرال را در زمره خلق بحساب نمیآورد و پیوسته آنرا بعنوان نیروی خیانته کننده و نابگیر از صف خلق خارج میآورد، چنانکه مینویسد:

"آیا بدیهی نیست که بورژوازی لیبرال این اعیان متعلق به آسوپا و دنیه، طی گفتگو، سخن پراکنی و داد و بیداد در مورد مجلس موسسان همگانی، عملاً مجلس مشورتی و ضد مردمی را طرح ریزی میکنند؟ میخواهند بجای رهایی بخشدین به مردم از طریق قانونی آنها را از یکسو تحت سلطه تزار (سلطنت طلسمی) و از سوی دیگر، در زیر قدرت بورژوازی بزرگ متشکل (مجلس اعیان) مقید کنند."

جلد ۸، کلیات آثار، ص ۵۱۶

"بورژوازی خواهان طبع با تزار است، و از جنگ خلق بر علیه تزار میهراسد. تزار خواهان طبع با بورژوازی است، اما از جنگ با خلق نمیهراسد." همانجا

میبینیم که در عبارات بالا لنین آشکارا ابداع "خلق" و "بورژوازی" را بدقیقت ریگوشیم بورژوازی لیبرال را از هم جدا میکند و هرگز بورژوازی لیبرال را در زمره "خلق" بحساب نمیآورد، و چشمه در زمانیکه آنرا هنوز به ضد انقلابی بودن منتسب نکرده بود، با آنرا در صف خلق نمیشمرد. حال پیکار ممکن است بگوید که "البته بورژوازی لیبرال رو سیه در مرحله انقلاب دمکراتیک در زمره خلق بحساب نمیآید و منظور ما آنست که بورژوازی لیبرال در زمره ارتجاع و ضد خلق هم ارزیابی نمیشد، یعنی با وجود آنکه نیرویی خلقی بحساب نمیآید، از تجارعی و ضد خلقی هم محسوب نمیشد بلکه نیرویی بینا بینی بوده که نیروهای خلقی و انقلابی در مسیر انقلاب باید آنرا خنثی و منفسد سازند."

در اینصورت باید گفت که تاکنون یک امر برای ما روشن شده است و آن اینکه امکان ندارد که نیرویی ضد انقلابی باشد، و در زمره خلق بشمار رود. زیرا که خلق شامل نیروهای است که انقلاب را بپایان میرسانند. مسئله دیگر اینکه از نظرم، ل. چنانکه دیدیم محتوای خلق بنا بر روند انقلاب تعیین میشود، و طبیعی است که معنای ضد مقابل "خلق" نیز بنا بر روند انقلاب معین میشود، و ایضا نیروهای بینا بینی یعنی آنکه نیروهای "فد خلقی" آن نیروهایی اند که در مقابل روند انقلاب ایستاده و بر سرکوب یا خیانته به آن مشغول اند.

حال برای تدقیق بیشتر قضیه و بر خوردن بیشتر با نظرات "پیکار" دو مثال آنرا که برای اثبات مدعایمان آورده بررسی کنیم. پیکار دهقانان میان حال را در انقلاب اکثریت و ضد انقلاب بحساب میآورد. در حالیکه لنین مینویسد:

"در اکتبر سال ۱۹۱۷ ما با اتفاق تمام دهقانان من حیث المجموع قدرت حاکمه را بدست آوردیم. ۶۷۷ منتخب آثار، یکجلدی

"هنگامیکه ما زمام قدرت را بدست می گرفتیم بر تمام دهقانان من حیث المجموع اتکال داشتیم. آن زمان در برابر همه دهقانان یک وظیفه قرار داشت، و آن مبارزه علیه ملاکین بود" ص ۶۷۸ همانجا

بنا بر تعریف مارکس و لنین از "خلق" "اس - ارها و منشویکها پیش از انقلاب فوریه در جنبه انقلاب دمکراتیک بر علیه تزار میسم قرار داشتند و از این لحاظ در زمره "خلق" محسوب میشوند، ولی آنگاه که پس از انقلاب به همکاری با بورژوازی پرداختند، دست در دست بورژوازی بمنظور سرکوب توده ها و جلوگیری از پیشرفت انقلاب دادند از صف خلق به بیرون رتبا شدند. حال آنکه از نظر "مجمعیت عمینسی در ساخت اقتصادی - اجتماعی" تنفییری در وضعیت آنها پیدا نشده بود، و از

این لحاظ معنی بنا بر تعریف پیکار هنوز در صف خلق جای داشتند. و پرولتاریا مجبور بود که به عنوان "ضد انقلاب و نه ضد خلق" مراعات آنها را بکند، و صرفاً به افشاء و انقراض آنها متوسل شود.

یکی از دلایل فرعی پیکار در زمره خلق کردن آنجست واره ها اینست که پیکار "ارتجاع" را نیرویی میداند که انقلاب را با آنرا بنا بود - آنهم نابودی فیزیکی - کند اما "ضد انقلاب" را نیرویی میداند که انقلاب گاه ممکن است که به خنثی کردن و نه نابودی آن دست یازد.

پیکار مینویسد:

"کرایش چپ شبه تر و تسکیتی که در همانگی با یک خط راست اکونومیستی عمل میکند، اولاً بورژوازی لیبرال را که نیرویی ضد انقلابی بود ارتجاعی خوانده، و تا منبسط استخوان مستقیم و غیر مستقیم وابسته به امپریالیسم میشمرد و با ارزیابی ضد خلقی از آن، آنرا جزو هیات حاکمه بشمار آورده و بناچار از طرح شمارنا بودی فیزیکی آن بود."

پیکار، ص ۲۶

جنبش م. ل. وقتی بر متن مبارزه طبقاتی و بر اساس منافع پرولتاریا ارزیابی و حرکت نکند، و بخصوص که بر ناپه الگوها و قالب های وارداتی (۲) بنا شود، نتیجه بی جزاین بدست نمیدهد که پیکار را بر از میدان رکجای ادبیات م. ل. آمده است که نیرویی "ارتجاعی" مترادف نیروی "فد خلقی" است؟ یا اگر ناپه مدهمکدام دلیل آن دو مترادف یکدیگرند؟ که پیکار آنرا به م. ل. های کم سواد ایران آموزش میدهد.

پیکار مینویسد:

"ارتجاع و یا ضد خلق"

و بخصوص که وظیفه م. ل. هادرنابودی فیزیکی ضد خلق را امری بدیهی و تمام شده تلقی میکند. حال آنکه ما در مانیفست کمونیست مشاهده میکنیم که ما عیان منابع کوچک، پیشه وران و دهقانان مرتجع تلقی میشوند، بدون آنکه هیچگونه توصیه ای مبنی بر "نابودی فیزیکی" آنها وجود داشته باشد یا اینکه ضد خلقی و حتی ضد انقلابی ارزیابی شوند. با مثلاً لنین هندرسونها و مکدوننا - لدهارا که خرده بورژوا محسوب میشوند، مرتجع تلقی میکند، و در عین حال پشتیبانی از آنها را در جریان مبارزه توصیه میکند. رک به بیمکاری کودکی چپ.

پیکار برای فرامان نگهداشتن متحد طبیعی خود - و نه متحد طبیعی انقلاب ما - یعنی خرده بورژوازی سنتی مرفه از دم تبلیغ انقلاب مسئله "نابودی فیزیکی" را بامیان میکند. بدین معنا که اگر فلان گروه را ضد خلق و یا مرتجع بحساب آورده ایم، تا گزیر از نابودی فیزیکی آن هستیم. و چون نابودی فیزیکی گروه مزبور در واقع عمل هر انقلابی م. ل. است در نتیجه ناپه آنرا ضد خلقی و مرتجع بحساب آورد. این نوع صفری و کبری چیدن و نتیجه گیریهای ارسطویی که دست کمی از اسطراب ندارد تا بدست آوردن برای چندصاحبی گروهی را بخود مشغول کند، اما در برابر برگسترش مبارزه طبقاتی و پیچیدگی های آن سرعت در هم میگذرد، چه رسد به اینکه مواجه با استدلال م. ل. و آموزش حقیقی م. ل. در موارد مزبور گردد.

پیکار با بنیهایت رساندن اینسوی قضیه، یعنی اینکه وقتسوی نیرویی ضد خلقی با مرتجع شد، ناپه آنرا از نظر فیزیکی نابود کرد. خود را به آنسوی قضیه یعنی اینکه خرده بورژوازی در مجموع متحد طبیعی پرولتاریا در انقلاب ماست و اگر در موضع ضد انقلاب قرار گرفت، ناپه افشاء و منفسدش کرد، میان نازد. بنا بر این پیکار را بدگوید که جناح خرده بورژوازی هیات حاکمه را که در موضع ضد انقلاب عمل میکند، ناپه افشاء نمود و منفسد ساخت. و بدین ترتیب سیریلایی برای اینسوی خرده بورژوازی سنتی مرفه تعبیه کند.

بدین خاطر لازم به تذکرات است که هر چند پیکار مواضع تند و تیزی در مقابل هیات حاکمه اتخا نکند، ولی مادام که جناح خرده بورژوازی برای هیات حاکمه قائل است و یا "فد خلقی" تلقی کردن آن مخالفست میوزده آن بیم راست روی و ماساات در سیاست، هر موردش وجود دارد. لنین کبیر در جای دیگر نیز به تفسیر مفهوم "خلق" و "انقلاب خلقی" با زهم در رابطه با سخنان مارکس مینبرد از د.

"اکنون خواه در انگلستان و خواه در آمریکا" شرط مقدماتی

خلق و ضد خلق ...

هر انقلاب واقعا خلقی "عبارتست از درهم شکستن و انهدام ماشین دولتی حاضر و آماده" (همان ماشینی که در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۷ در این دو کشور بد کمال "اروپایی" یعنی کمال عمومی امپریالیستی خود رسییده است.)

تا بدین حد که فوق العاده همین با رکن اصلی آن است که در انهدام ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی، "شرط" مقدماتی هر انقلاب خلقی واقعی "است ثانیاً در قسمت خاصی است. این مفهوم انقلاب "خلقی" از زبان مارکس عجیب بنظر می رسد و چه بسا ممکن بود بلغا نویسنده و منتسوکهای روس، این پیروان استرووه که میخواهند مارکسیست خوانده شوند، این گفته مارکس را اشتباه لفظی اعلام نمایند. آنها مارکسیسم را مورد چنان تحریف لیبرال مآبانه بیمقداری قرار داده اند که برای شان جز تقابل بین انقلاب بورژوازی و انقلاب پرولتاریاری چیز دیگری وجود ندارد و تازه این تقابل را هم بشیوه نینهاست مرده و بیرومی درک میکنند. اگر بعنوان مثال انقلاب های سده بیستم را در نظر بگیریم، آنگاه البته باید هم انقلاب پرتغال و هم انقلاب ترکیه را انقلاب بورژوازی بدانیم. ولی نه این و نه آن هیچیک انقلاب "خلقی" نیست زیرا توده خلق، اکثریت عظیم آن نه در این و نه در آن انقلاب بطور فعال مستقل و با خواسته های اقتصادی و سیاسی خود برآدمشهودی نداشته اند. برعکس انقلاب بورژوازی سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ روس با آنکه دارای آن کامیابی های "درخشانی" که گاهی نصیب انقلاب های پرتغال و ترکیه شده است، نبود مع الوصف بدون شک انقلاب "خلقی واقعی" بود. زیرا توده خلق، اکثریت آن یعنی ژرف ترین "قشرهای باثینی" جامعه که پشتشان در زیر فشار رستم و استعمار دوتا شده بود، مستقلاً برآندمیکر دند و در تمام جریان انقلاب مبرو نشان خواسته های خود و تلاشهای خود را که هدفش بنای جامعه نوینی بسبک خود بجای جامعه منهدم شونده بود باقی گذارده اند. در هیچ یک از کشورهای قسمت قاره اروپا در سال ۱۸۷۱ پرولتاریا اکثریت خلق را تشکیل نمیداد. انقلاب "خلقی" یعنی انقلابی که واقعا اکثریت را به جنبش جلب نماید، فقط وقتی میتواند آن انقلابی باشد که هم پرولتاریا و هم دهقانان را در برگیرد. در آن زمان این دو طبقه بودند که "خلق" را تشکیل میدادند. دو طبقه نامبرده را این موضوع متحد میسازد که هر دوی آنها بطور متوسط ماشین بور و کراتیک و نظامی دولتی در معرض ستم و فشار و استعمار قرار گرفته اند. خورد کردن این ماشین و درهم شکستن آن - این است آنچه که منافع واقعی "خلق" منافع اکثریت آن یعنی کارگران و اکثریت دهقانان را در بر دارد.

ص ۵۲۱، منتخب آثار، یکجلدی

پیدا است که در اینجا نیز لنین بهمان نکته به مفهوم "خلق" مینگرد که در صفحات پیش گفتیم و دیدیم. خلق را شامل نیروهای میداننده در زیر فشار، ستم و استعمار توسط ماشین بور و کراتیک نظامی دولتی قرار داشته و خورد کردن این ماشین و درهم شکستن آن منافع واقعی خلق بحساب می آید. یعنی آن نیروهایی که "میتوانند انقلاب را به آخربرسانند"

حال ببینیم با شوشه تونگ که بیست از مارکس و لنین واژه "خلق" را با کار بسته و حتی مبدع تفاه عمده خلق و امپریالیسم میباشد چگونه با مفهوم "خلق" برخورد میکنند، و نوع برخورد آن چه قرابتی با جفت واره "خلق و ضد خلق" و "پیکار" دارد. ما شوشه تونگ را در مورد بورژوازی ملی که منافع وی با تکامل جامعه چین و درهم شکستن یوغ امپریالیسم و فئودالیسم نسبتاً تطابق دارد چنین مینویسد:

بورژوازی متوسط، این طبقه نماینده مناسبات تولید سرمایه داری چین در شهر و روستاست. از بورژوازی متوسط بطور عمده بورژوازی ملی فهمیده میشود. موضع گیری بورژوازی متوسط نسبت به انقلاب چین متفاو است. بی شک این طبقات بینا بینی (بورژوازی متوسط) بسز و دی تجزیه خواهند گشت و برخی بسمت چپ متوجه گشته، بسفوف انقلاب میپیوندند و برخی دیگر بسمت راست منحرف گشته بسفوف ضد انقلاب ملحق میشوند. ص ۱۷ منتخب آثار مارکس جلد ۱ (تاکید از ما است)

حال پیروان جفتواره "خلق و ضد خلق" ممکن است بگویند، بله، بورژوازی ملی در انقلاب چین بینا بینی بود و از این رو در پیروسی انقلاب چین نمیتوان ترا ضد خلق بحساب آورد، هر چند که به ضد انقلاب هم تبدیل شود اما، ما شوخ و بدبوض خلاف این ادعای پیروان جفت واره را اظهار داشته است:

"بورژوازی ملی این طبقه در انقلاب ۱۹۲۲ - ۱۹۲۷ شرکت کرد ولی بعد از آن تش این انقلاب بوحشت افتاد، و بسوه اردوی دشمن خلق - به دا رودسته چنانکا بچک - پیوسته است" ص ۲۳۵ همانجا

و با در جای دیگر مینویسد:

"آیا شما جمهوری کارگری - دهقانی که ما قبلاً اعلام کرده بودیم، اشتباه بود؟ خیر اشتباه نبود. از آنجا که بورژوازی و بسویره بورژوازی بزرگ خود را از انقلاب کنتر کشیده و با پیوستن به اردوی امپریالیستها و نیروهای فئودالی به دشمن خلق تبدیل گردیدند. از این رو

محرک انقلاب فقط پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی شهری باقی ماندند" ص ۴۱۵ همانجا، تاکید از ما است.

با وجود آنکه ما شور برای بورژوازی ملی در پیروسی انقلاب چین خلعت متفاو و بینا بینی قائل است، اما از آنجا که همچون مارکس و لنین مفهوم خلق را در رابطه با انقلاب و نه صرفاً ساخت اقتصاد اجتماعی می بینند با پیوستن نیروی بینا بینی به اردوی دشمن انقلاب و خلق، آنرا نیز دشمن خلق یا "فد خلق" بحساب می آید. علیرغم آنکه تکامل اقتصادی جامعه بنفع بورژوازی ملی بود. ما شوشه تونگ خلاف اکونومیستهای ما دل به تصویر کلی و ثابت صف آرای نیروها نمیبندد، و از این رو خود را بنا بر تفسیرات مشخص مبارزه طبقاتی به پیش میبرد، و تفسیرات مشخص مبارزه طبقاتی و جابجایی نیروها را فدای محکم چسبیدن به تصویر صف آرای ثابت و کلی نمی نماید.

ما شوشه تونگ دیگری به تعریف مشخص "خلق" پرداخته و جالب اینکه بجای قراردادن خلق و ضد خلق در مقابل یکدیگر و تشکیل جفت واره مورد نظر، از خلق و دشمن صحبت میکند و با جالب اینکه ما شوخ نوشته ها و اندیشه های پیش منای چنین الگو برداریهایی قرار گرفته، که تا کنون دیدیم، خود مفهوم خلق و دشمن را در رابطه با مبارزه طبقاتی جامعه تعریف میکند. چنانکه مینویسد:

"خلق" کیست و "دشمن" کلم است. مفهوم خلق در کشورهای مختلف و در مراحل گوناگون تاریخی هر کشور مضمون مختلف دارد. بعنوان نمونه وضع کشور خودمان را در نظر بگیریم: در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی خلق شامل تمام آن طبقات، قشرها و گروه های اجتماعی میشد، که علیه تجاوز و زاپین برخاسته بودند. در حالیکه امپریالیستهای ژاپن خاشنین به ملتو معنای صرط فراد را زاپین دشمنان خلق محسوب میگشتند. در دوره جنگ آزادیبخش، امپریالیستهای آمریکا و معالشان - بورژوازی بوروکراتیک، طبقه ما - لکان ارضی، و مترجمین گومیندان که نمایندگان این طبقات بودند، دشمنان خلق بشمار میرفتند حال آنکه خلق عبارت بود از کلیه طبقات قشرها و گروه های اجتماعی که علیه این دشمنان مبارزه میکردند. در مرحله کنونی که دوران باختمان سوسیالیسم است خلق شامل تمام آن طبقات، قشرها و گروه های اجتماعی میشود که طرفدار و

خلق و ضد خلق ...



پشتیبان امرساختمان سوسیالیسم هستند، و در آن شرکت میجویند. در حالیکه دشمنان خلق، آن نیروها و گروه‌های اجتماعی هستند که در برابر انقلاب سوسیالیستی میایستادند و بخرج میدهند، نسبت به ساختمان سوسیالیسم خصومت میورزند و در آن تخریب میکنند. ص ۲۲۴، جلد ۵، منتخب آثار، مائو. (۳)

بنابراین ادبیات م. ل. بنامشان میدهد که مفهوم خلق و دایره آن بوسیله روند انقلاب تعیین میشود و تماماً آن که همان ضد خلق باشد نیز بنا بر روند انقلاب تعیین میگردد. و نیز اینکه احکام م. ل. در آوردی ما نشاندهنده "خلق و ضد خلق" را باید بطور فیزیکی نابود ساختن "خلق و ضد انقلاب" لزوماً ضد خلق نیست و... بمثابه الگوها و قالب‌های خشک و هم در خود متناقضانه، هم اینکه با روح زنده و خلاق م. ل. مغایرت دارند. و در عین حال در می‌یابیم که این قالب چفتواره "خلق و ضد خلق" هم موجب نگرش پوپولیستی میشود، هم اینکه خود از یک بینش الگویی و کلی‌نگری برخاسته است.

"مارکسیسم ما را به یک تحلیل دقیقاً هست و عیناً متغیری از مناسبات طبقات و از خصیصه‌های ویژه هر موقعیت تاریخی ملزم میسازد. ما بلشویکها همواره تلاش داشته‌ایم تا این الزام را که برای ارائه یک بنیاد علمی بخاطر سیاست (مشق) مطلقاً ضروری است، در یابیم. ما رکن و انگلیس همیشه میگفتند "تئوری ما جزئی نیست بلکه راهنمایی برای عمل است." پراستی یا دوری و تکرار صرف "فرموده‌ها" را مسخره میکردند، که در بهترین حالتش تنها میتواند وظایف عام را اشاره کند، که ضرورتاً در شرایط اقتصادی سیاسی مشخص هر دوره و ویژه فرایند تاریخی متغیر هستند."

درباره تاکتیکیه، بنین

پایان

- ۱- در ترجمه پورهرمان بقلب کلمه "اجزاء" بصورت "جزء" ترجمه شده است.
- ۲- متشابه مکانی قالب چفت‌واره "خلق و ضد خلق" جنبش م. ل. خارج از کشور بود، البته از آن میان که تحفه‌های رنگارنگ رویزیو-نیستی نظیر سازمان انقلابی بیرون داد، به جریانی اشاره میکنیم که سینه‌چاک تئوری انقلاب چین و دست‌آوردها و اندیشه‌های حاصل از آنجا بوده، و در پی آن بود که مطابق التعل بالنعلم آنها را در ایران پیاده کند. "تحداد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" که مدت‌هاست جایگاه خود را در دنیای رویزیونیسم مستحکم کرده، و یکی از

جریانیها بی‌است که زمانی با اتفاق "توک" "گاه‌ها" را تشکر می‌دادند. در واقع از منابع صدور قالب‌های آنجانی و تفکر پوپولیستی به ایران بوده است. این جریان در جلد ۴ مسائل انقلاب سوسیالیسم مینویسد:

"شناخت خلعت جامعه اساسی شناخت صف بندی جامعه، اساس شناخت نیروهای خلق و ضد خلق و پایه حل مسائل انقلاب است." ص ۸۲ مسائل انقلاب سوسیالیسم، تاکید از ماست.

قالب نیروهای "خلق و ضد خلق" حتی بوسیله ما ثونیزیکار ترفسته، یا اینکه بسیار بندرت استعمال شده است، چه رسد به مارکس و لنین که هرگز به چنین قالب انتزاعی و صوری توسل نجستند. ما ثونیزیکار ترفست برای تعیین صف بندی نیروهای اجتماعی به انقلاب توجه داشتند و از اینجا شروع میگردد که ما یعنی پرولتاریا در فکر انقلاب بر علیه... هستیم. چنانکه مینویسد:

"دشمنان ما کیستند؟ دوستان ما کدامند؟ این مسئله ایست که برای انقلاب دارای اهمیت درجه اول میباشد... برای تشخیص دوستان حقیقی از دشمنان واقعی، باید وضعیت اقتصادی طبقات مختلف جامعه چین و برخورد هر یک از آنها را نسبت به انقلاب در خطوط کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم." ص ۱۵ منتخب آثار، جلد ۱، مائو

۳- نکته جالب در مقایسه نوشته‌های ما ثونیا نظرات دکما تیکس و الگو برداران صاحب جفت‌واره "خلق و ضد خلق" است که ما ثونیا تعیین ظرف "خلق" آنقدر در دنیای مشخص مبارزات جاری جامعه غرق شده بود، که روند کلی و ثابت مبارزه طبقاتی جامعه و استراتژی انقلاب را که علیرغم تغییرات جزئی و مشخص در طی پروسه انقلاب ثابت است، بغراموشی میسپارد. و اسیر تصویر مشخص و روزمره روند انقلاب میگردد. و ظرف خلق را در این رابطه پیوسته در تغییر میبیند. حال آنکه صاحب جفت‌واره "خلق و ضد خلق" در تعیین حدود مبارزه خلق و نیز ضد خلق صرفاً به صف آرایی کلی و ثابت نیروهای اجتماعی توجه داشته، و تغییرات مشخص را در این صف بندی دخالت نمیدادند. اگر ما ثونیا نقد در دنیای مشخص غرق میشد که روند کلی و ثابت را رها میکرد و به پوزیتیویسم که به تصویر مشخص و ملموس توجه دارد، میدان میداد، و در این رابطه زمانی چنانکایچک را وارد ادوی خلق مینمود و زمانی فتودالها را و سز آخر بورژوازی ملی را در دوران ساختمان سوسیالیسم در زمره خلق بشمار آورد. در مقابل اصحاب تضاد عمده خلق و امپریالیسم پراتیک خود را به یک صف بندی ثابت و تغییرناپذیر محدود ساخته، و در نتیجه زمانی سخت در تلاش یافتن بورژوازی ملی بودند تا آنرا راسته به زیور خلقی سازند، و زمان دیگر تغییرات مهم سیاسی جامعه را نادیده گرفته و خرده بورژوازی سنتی مرفه را با تلاش و تقاضای فراوان در صف خلق محبوس مینمودند*

توضیح:

در رابطه توضیح "انتخابات" ناروایی "کرفقای راه کارگر در باره برگزاری اول ماه مه، به "روزندگان" داده بودند، تیرت نامناسبی انتخاب شده بود که چنین عناوینی در فضای مبارزه ایدئولوژیک بین تشکلهای، تا شیر غیرزینقا نه دارد. و این بنا "نیت" روزندگان که بر وجود یک فضای مناسب و رفیقانه و اصولی

در مبارزه ایدئولوژیک تا... دارد، مغایرت داشته است. بدینوسیله ضمن پوشش از رفقای راه کارگر، با ارائه عنوان صحیح آن که "راه کارگر و انتخابات ناروا" میباشد، شد، تیرت قبلی را تصحیح میکنیم. به امید آنکه مبارزه ایدئولوژیک هرگز از مجرای اصولی خود خارج نشود*

بقیه از صفحه ۱۱

اصلاحات...

در پیش گرفت تدوین لایحه‌ای بود تحت عنوان لایحه "واگذاری واحیاء اراضی" این لایحه همان ایده بورژوازی میکوشید تا با اصلاح بخش خصوصی را به کشاورزی تنویق نماید. در این لایحه به "کشاورزان واجد شرایط" وعده‌هایی در خصوص اجاره و واگذاری زمین داده شده بود. که در مقابل عمق و گسترش جنبشهای دهقانی یک تلاش ارتجاعی مذبحخانه بیش نبود.

دهقانی و بویژه در مبارزه علیه خلق کرد در مییافت. هیات حاکمه کوشید تا در حین تعرض با تهیه لوازم مختلف فعالیت خود را جهت خاموش نمودن این مبارزات از موضع با اصلاح قدرت موقتی تکمیل نماید سیاست شخصی که حکومت در این رابطه، در قبال جنبشهای دهقانی

"ادامه دارد"

بقیه از صفحه ۱۲

اصلاحات

جنبشهای دهقانی تبدیل نمسود. در قاطله فروردین تا مرداد دهها نمونه از جنبشهای دهقانی در روستاهای قزوین، مازندران، لرستان، فارس، یزد، آذربایجان، استان مرکزی کردستان، ترکمن صحرا، کرمان، ایلام و... در دست است که از سطوح و اشکال مختلف مبارزات دهقانی حکایت میکنند. تشکیل شورا، تظاهرات، شکایت صدور اعلامیه، تحصن، مسافرت، کوچ دستجمعی، و مبارزه مسلحانه اشکال مختلف مبارزات دهقانان هستند که بطرز گسترده ای در این ایام بکار گرفته میشوند. خواستهای دهقانان در اکثر موارد با زیرین گرفتن اراضی غصب شده، مسافرت اراضی مالکان بزرگ، و درخواست حمایت اقتصادی (الغنا) بدهیها، تاسیس تعاونیها، کمک در بذر کود و ماشین آلات، راهسازی و خرید محصولات (برسمیت شناختن شوراها، اجرای خواستهای دهقانان بر علیه مالکان و...) بوده است. تجربیات دهقانان در طول مبارزات در بسیاری از موارد بکلی نهایتاً موخت گشته تنها نمیبایست از دولت انتظار ریاسخ به خواستهای آنها را داشته باشد بلکه میبایست خود در اسام اقدام نموده و با ارگانهای سرکوب حرکت انقلابی خود مبارزه نمایند.

تحمل رشد جنبشهای دهقانی از فروردین ماه (از زمان اجباریست عقب نشینی در مقابل مقاومت مسلحانه خلق ترکمن و کرد) به بعد برای هیات حاکمه فکالیتهای مستمر آن بنبغ مالکین بزرگ لحظه ای قطع نمیکشت بسیار دشوار بود. این تحمل "کشنده"، بعلوه تحمل های دیگری که در عرصه های گوناگون به هیات حاکمه دشواریها مدهرمیداد. کاسه صبر حکومت و بویژه جناح خرده بورژوازی حاکم رالبر بزیاسخت بیورش ارتجاع به کردستان و آزادیهای دمکراتیک، در واقع بیورش برای با زیرین گرفتن تمام مواضع از دست داده شده در عرصه عمل بنبغ بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم بود.

دستگاه اداری و نظامی سرمایه داری وابسته با تهاجمی جدید بر علیه جنبشهای دهقانی و بیسرای اعاده نظم فدا انقلابی در روستاها بکار افتاد. در کنارت تبلیغات و عملیات فدا انقلابی بر علیه مبارزات انقلابی خلق کرد، جنبشهای کارگری، فعالیتهای انقلابی و بویژه کمونیستها، تعرض گسترده به جنبشهای دهقانی نیز آغاز گردید. از او اخر مرداد ماه ۱۳۰۵ به بعد حکومت به با زیرین گرفتن مواضع از دست داده مشغول میشود. مثلاً در نواحی کهگیلویه و بویراحمد از مالکین و فئودالها رانده شده از روستاها اعاده حیثیت میشود و به پشتیبانی مقامات محلی به موقعیت سابق خود بر میگردد. در روستاهای

اطراف قزوین ۹۰ نفر از روستائیان بجرم تعرض به حریم مالک (حاج احمد مالک ده) بپزندان میافتند... کمیته ها بخصوص در مناطقی که ملائین وابسته به جناح های حاکم بر روستاها قرار دارند، چماق سرکوب روستائیان مبارز میگردند. ایادی مسلح ما لکین روستاهای خرغان را مورد تاخت و تاز قرار میدهند و دنگاها و ارگانهای دیگر جمهوری اسلامی عملاً به آنها کمک میکنند و...

در روستاهای اطراف آمل ایادی مسلح مالکان به روستاها حمله نموده و برای بیرون راندن دهقانان از اراضی مسافره شده اقدام میکنند. این حملات بصورت تنظیم شده و بی درپی در روستاهای کله کن، هشتل، اوچاک، خرطوم، کلا، ساشیج، بیشکلا و... تکرار میشود و کمیته ها و پاسداران محل در مقابل تقاضای کمک روستائیان از دخالت خودداری نموده و به اینصورت عملاً از عملیات مسلحانه مالکان حمایت میکنند. در مهریون فارس خوش نشینانی که در تیرماه زمینهای بزرگ مالک منطبقه را مسافره کرده و به کاروری آن مشغول شده بودند پس از توطئه های گوناگون مالکان، در مرداد ماه با تهاجمات مسلحانه آنها رو برور شدند. و اینها تنها نمونه هایی از انعکاس تهاجم فدا انقلاب به مبارزات توده ها و تلاش مذبحانه برای برقراری نظم سرمایه داری وابسته برجاست. تهاجم فدا انقلابی هیات حاکمه

بر علیه جنبشهای توده ای و فکالیته انقلابیون، زمینه را برای طرح و تحمیل قوانین ارتجاعی آماده ساخت. ایده های بورژوازی در قبایل مسائل مختلف جا معوه از جمله مسئله ارضی - دهقانی بصورت مواده قانونی برای "حل مسئله" طرح گردید. بورژوازی لیبرال که هنوز عهده دار دستگا های اداری و نظامی است شرایط را برای به اجراء آوردن مقاصد طبقاتی خود فراهم میببند. جان کلام بورژوازی لیبرال در کلام بازرگان قابل تشخیص است:

"در دولت های گذشته، حتی از زمان احمد شاه تا جا در مرشد کشاوری همیشه معکوس عمل کرده اند و هدف این بوده است که بخش خصوصی تضعیف شود و اداری های کشاوری در بخش دولتی جذب گردد." ۲۸ شهریور اطلاعات سخنرانی در سمینار بررسی مسایل کشاوری اگرچه تعرض فدا انقلابی حکومت بر علیه مبارزات انقلابی توده های مردم و فکالیته انقلابیون به تحمیل دوره ای از کودتای حرکت تعرضی جنبشهای دهقانی موفق گشت اما بهیچ وجه نتوانست جنبشهای دهقانی را متوقف نماید. حکومت جمهوری اسلامی آینه شکست خود را در عملیات تعرضی بر علیه انقلاب چه در مقابل جنبشهای کارگری،

بقیه در صفحه ۱۰۶

را مجروح کرده و زمینهای گشت شده آنان را شخم زد. شکایت های بعدی روستائیان به دادگاه انقلاب به جا بی نمیرسد، حتی دادگاه انقلاب چند نفر از کشاوریان را به اتهام آشوب گردستگیر و زندانی میکند.

"استخراج از روزنامه مجاهد شماره ۸۹"

با چنین واقعیتی از مبارزه روستائیان فقیر و زحمتکش با مالکین و حاکمان آنهاست که ایزدی از پشت میز وزارت کشاوری مودبانه اظهار نظر میکند:

"اگر در یک وقتی در مناطقی (از جمله بیضا، فارس) فئودالها و خوانین مسلح شده اند هیچ علت دیگری نمیتواند داده شده باشد که اینک دستگا های انتظامی ضعیف باشند (یعنی نتوانند خود دیتنها بی مسئولیتهای محوله بنبغ مالکان را به اجراء آورند)"

از کوزه همان برون تراود که در اوست!

ندارد؟ و اگر در ادراجه فدا مردم نمیرسد؟ "در همین نامه در مورد چماق داران مالک آمده است: "این آقایان چماق دار حتی در دادگاه انقلاب، زارعین را کشت زده و سرکوب کرده اند."

هنگامیکه ایادی مسلح مالکان بر ایگوشمالی دهقانان و آرد روستا میشوند مردم بجز از اندامری تقاضای کمک میکنند اما از اندامری پاسخ میدهد: "ما تا آخرین قطره خون از فئودالها حمایت میکنیم."

در روستای "میرآباد" زمین منطبقه روستائیان بعد از سرنگونی رژیم شاه قسمتی از زمینهای مالک بزرگ دره را مسافره و در آنها به کشت مشغول میشوند. اما بعد از مدتی مالک با زده بندهایی که با زندامری و دادگاه داشت حکمی از دادگاه انقلاب مبنی بر اخراج کشاوریان از اراضی گرفت. پس از آن با افراد مسلح خود به کشاوریان حمله کرد و ۸ نفر از روستائیان زحمتکش

فارس اعلام میکنند: "ما خوش نشینان" "بانتش زمین میخواهیم تازن و بچه هایمان را از کسبکی بجات دهیم." شکایات متعدد روستائیان فقیر بانش بر علیه تعدیات مالکین در استاندارای و دادگاههای انقلاب نقش بر آب میشود. یکی از دهقانان میگفت: "هر جا شکایت میکنیم، کسی جواب ما را نمیدهد، زندامری، دادگاه و... همه از مالک طرفداری میکنند." درگیری میان دهقانان و ایادی مالکین گاه به مبارزات مسلحانه کشیده میشود. که زندامری بنبغ مالکین عمل مینموده است. یکی از روستائیان در نامه ای به استاندارای فارس (اردبیل) میگوید:

(۵۹) مینویسد: "در بانش فئودالی بنام "غلامحسین بانشی" که یک مدهکتار زمین و تعداد زیادی گوسفند دارد برای سو استفاده خودش یک جمعیت ۳ هزار نفری راه خاک و خون کشیده است. آنها این مملکت مستول

برای دریافتن ریشه های طبقاتی طرز فکر حاکم بر آقایی ایزدی و شرکا، بورژوا لیبرال به تفادهای درون روستاهای منطقه "بیضا" فارس که ایزدی مالک ۴۰۰ هکتار زمین آنجاست نگاه میکنیم بیاندازیم.

در روستای بانش از منطقه بیضا فارس حدود ۴۰۰۰ نفر زندگی میکنند که ۱۵۰۰ نفر آن خوش نشینند یکی از مالکان بزرگ منطقه که در جریان اوچگیری انقلاب در سال ۵۷ از ترس انتقام به آمریکا فرار کرده بود با تضمینهایی کابینه بورژوا لیبرالها و لابدها م داده مالک بزرگ کتار خودش یعنی ایزدی برمسند وزارت کشاوری به ایران باز میگردد. مبارزات دهقانان و بویژه خوش نشینان این روستا با اشکال مختلف توسعه مییافت در تظاهرات خوش نشینان در مقابل استاندارای

۲ جنبش های دهقانی وسیاست هیأت حاکمه (بهار و تابستان ۵۸)

جنبش های دهقانی بدنبال رشد جنبش انقلابی در شهرها روبه گسترش نهاد پس از سرنگونی رژیم شاه پاسداران جدید نظام سرمایه داری وابسته از بدو حکومت خود بسا مبارزه رشدیابنده توده دهقان بر علیه نظام حاکم بر روستاها مواجه بود. در حالیکه در بسیاری از روستا های ایران اعتراضات، شکایات و تلافی برای تشکیل شوراها و مصارف زمینهای زمینداران بزرگ شکل میگرفت، در دهکاتون عمده مبارزات دهقانان ترکمن صحرا و کردستان ایما و جنبشهای دهقانی به مقیاس گسترده ای رسیده بود.

تشکیل شورا های دهقانی در ترکمن صحرا در اسفند ۵۷ بصورت روبه رشد آنها دوم صافه زمینهای زمینداران بزرگ آغاز شده بود. بطوریکه مالکین بزرگ ترکمن صحرا در دادگستری گنبد متحصن شده و از دولت تقاضای سرکوب دهقانان را نمودند. یکی از متحصنین جعفریای مالک ۱۵۰۰ هکتار زمین در پاری سدوشمگیر بود. در تلگراف "تظلم خواهی" مالکین از دولت تقاضا شده بود که دادگستری و زراعت زحمتکش" (۱) برسد و نگذارند که مستی او باش " دستجمعی " به قلم سرو املاک مقدس آنها تجاوز کنند. در همین زمان در شهرهای مختلف کردستان اتحادیه های دهقانی تشکیل و به بیرون راندن زمینداران بزرگ مشغول بود. اولین ابتکار دهقانان در میوان به اجرا درآمد و سمرق نواحی مختلف کردستان گشت.

در اسفند ماه طلیمه برخاستن جنبشهای دهقانی در اکثر نقاط ایران در خشدین گرفت. در لرستان دهقانان دور روستا زمینهای تصرف شده خود را از شرکت سهامی زراعی شیروان پس گرفتند. روابط سرمایه داری و روابط بوروکراتیک در میان شرکتها عکس العمل بلاواسطه دهقانان را در نقاط دیگر نیز برانگیخت و ما بعداً به تجربه این شرکتها اشاره خواهیم کرد. در گنبدکاووس بیش از ۱۵ هزار نفر از روستائیان و دیگر مردم زحمتکش تظاهرات نموده و خواستار با زین گرفتن زمینهای غصب شده و تشکیل شورا های روستایی و میادان شدند. در تکاب دهقانان در ۱۳ روستا خواستهای خود را اعلام کردند و در آن خواستار تقسیم زمینهای

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

قسمت دوم

مالکان بزرگ در میان خوش نشینان شدند. خواسته های دیگر این دهقانان از جمله عبارت بودند از تشکیل بنگاه ماشینهای کشت و ریزی، کسود و بذارزان قیمت و شرکت نمایندگان روستاها در مراجع تصمیم گیری. در شهر کرد دهقانان خواستار تقسیم زمینهای انحصاری بین کشاورزان بی زمین، تشکیل شورا های دهقانی و ایجاد شرکت های تعاونی و استفاده از ماشین آلات شدند. در اراغ سرز و اسلام آباد دهقانان زمینهای شاهپور غلامرضا را بین خود تقسیم کردند اما کمیته محل دهقانان را از زمینها بیرون راند. در روستاهای رودبار و فومن و لاهیجان به تشکیل شوراها اقدام کرده و خواهان بازگرداندن زمینهای غصب شده، تضمین خرید محصولات کشت و ریزی و لغو بدهیهای دهقانان به بانکها شدند.

کابینه بورژوا لیبرال بازرگان هم چنان که تا بسته آن بود تحفای چون ایزدی، بزرگ مالک فارس را بعنوان وزیر کشت و ریزی در خود جای داده بود. سیاست بورژوازی لیبرال که در آن هنگام از سوی خرده بورژوازی حاکم پشتیبانی میگشت بسیار روشن بود: حمایت از مالکیت مالکان بر اراضی سرکوب جنبشهای دهقانی، جلب اعتماد بورژوازی برای سرمایه گذاری در روستاها، و بیک کلام اعاده نظم در روستاها.

در مقابل سیل شکایات مالکین بزرگ از تعدی ها و تجاوزات "دهقانان" از یکسو و با شکایات و تظاهرات و حرکت های انقلابی دهقانان بر علیه مالکین بزرگ از سوی دیگر، موضع حکومت جمهوری اسلامی و بخصوص جناح

بورژوا لیبرال آن تعیین شده بود. هنوز یکماه از قیام بهمین ماه نگذشته بود که هیأت حاکمه بصراحت به حمایت از مالکین بزرگ برخاست: "وزارت کشت و ریزی و عمران روستا بی اطلاع داد بر اساس اخبار رسیده بعضی از مالکان به تصور اینکه در مورد مالکیت زمینهای کشاورزی تصمیمات جدیدی گرفته خواهد شد، از بستن قرارداد با صیفی کاران خود داری میکنند. بدینوسیله به اطلاع عموم مالکان و هم وطنان میرساند که مالکیت از نظر دولت کاملاً محترم است و اگر بعضی از افراد غیر مسئول در سخنانی ها و بیامانات خود در این مورد نظراتی اعلام داشته اند نظیر شخصی آنها بوده ..."

(آبندگان ۲۰ اسفند ۵۷)

و در جای دیگر: "در قانون اصلاحات ارضی به هیچ وجه تجدیدنظر نمیشود" سخنگوی وزارت کشت و ریزی. (۱۱ تیر) البته هیات حاکمه به انتشار بیانییه در حمایت از مالکین بزرگ و محکوم کردن دهقانان قناعت ننشکرده و مستقیم و غیر مستقیم مالکین را بر علیه دهقانان مسلح مینمود. کمیته هایی که غالباً از مالکین و عناصر وابسته به آنها تشکیل شده بودند و پاسداران که بتدریج برای پشتیبانی فعالیت کمیته بوجود میامد و از همه مهمتر ارتش و ژاندارمری بطور فعال آشکار و نهان به تسلیح مالکان مشغول بودند. جنگ اسفند ۵۷ و فروردین ۵۸ در کردستان و ترکمن صحرا بر سر تقاضا شده دهقانان و مالکین بزرگ آغاز گشت. جنگی که البته (بویژه در کردستان) ابعاد آن از مسئله ارضی - دهقانی فراتر رفت و خلق ترکمن و کرد را با ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مواجه ساخت.

مقاومت و تعرض شدید خلق ترکمن و کردها به حاکمه را عقوبت نشاند. اتحادیه های دهقانی در کردستان، شورا های دهقانی در ترکمن صحرا روبه رشد گذارند و جنبش های دهقانی در نقاط مختلف بویژه در گیلان، آذربایجان و فارس از حالت شکوایه و تظاهرات خارج شدند. جنبش مصادره اراضی وسعت گرفت.

واکنش هیات حاکمه اگرچه از موضعی ضعیف اما هنوز در برابر موج مصادره ها (بقول ایزدی "تجاوز - ات") تهدید به سرکوب نظامی و تکفیر شرعی بود. هیات حاکمه

برای مهار کردن جنبشهای دهقانی به ابتکار عبثی متوسل شد. تشکیل هیات های پنج نفره محلی برای حل اختلافات و جلوگیری از تصرفات عدوانی، برای به اجرا درآوردن تضمینهای حکومت در دفاع از مالکیت از طریق مسالمت آمیز قانونی!

"وزارت کشت و ریزی و عمران روستایی طی اطلاعیه ای اعلام کرد: دولت موقت جمهوری اسلامی ایران از مالکیت و حقوق شرعی و قانونی زارعین (که البته لفظ مورد علاقه حکومت برای گذاردن کلاه شرعی بر مالکیت بزرگ است) هم چنین حقوق شرعی و قانونی سایر مالکین واحدهای زراعی و باغات حمایت میکند." ۵۸/۵/۳ اطلاعات وزیر کشت و ریزی اعلام کرد:

"ما برای جلوگیری از هر نوع تجاوزی از طرف هر کس فروردین امسال (۵۸) قانونی از طرف هیات دولت و شورای انقلاب گذارندیم تا هر کس نه تجاوزی مورد بررسی قرار گیرد. برای اینکار هیات پنج نفره تشکیل شدند تا صرفاً مسایل مربوط به تصرف عدوانی را رسیدگی کنند. احکامی ما در حدود ژاندارمری و پاسداران انقلاب اجرای این احکام را بعهده بگیرند." اطلاعات همان تاریخ ایزدی وزیر کشت و ریزی از جمله طراحان سیاست رژیم و مجری آن در قبال مسائل ارضی - دهقانی بود. او معتقد بود که:

"در ایران اصلاحات ارضی انجام شده و دیگر فرسودا لیم از بین رفته است. با بزبان دیگر جنبشهای دهقانی چیزی جز تحریکات ضد انقلاب و خود سربهای تانکا ها نه دهقانان نیستند. که البته برای سرکوب آنها مسلح شدن مالکان ضروری است. او می گفت:

"اگر در یک وقتی در مناطقی نفوذ آنها و خوانین مسلح شده اند. هیچ عست دیگری نمیتواند داشته باشد مگر اینکه دستگاههای انتظامی هم مسلح شدن آنها حقانیت دارد و هم دستگاههای انتظامی در خدمت آنها هستند (۱) ."

تلاشهای حکومت در سرکوب جنبشهای دهقانی و حمایت از مالکین در مقابل رشد جنبشهای دهقانان تلاشهای عبثی بیش نبودند. مسا عد بودن شرایط شکوفایی این جنبشها از یکسو و ضعف حکومت از سوی دیگر بهر راه به فعل شکوفایی بقیه در صفحه ۱۱

پیک رزمندگان

دکه داران

شهر به شهر در مقابل سرکوب

کی و کارشان را مورد تهدید قرار داده بود، آغاز شد. در این مدت دکه داران به اشکال مختلف خوابیدن در کنار دکه‌ها رزات و مقاومت دکه داران در مقابل این زورگویی که زند - بقیه در صفحه ۳

مبارزات متحدانه کارگران: تنه‌راه جلوگیری از تعطیل کارخانجات

چندیست که موج اخراج کارگران و تهدید به بستن کارگاهها و وسعت بیشتری پیدا کرده و سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی به بیانه‌های مختلف کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها را اخراج کرده و کارگاهها را تعطیل میکنند.
* در آبادان کارگران پیمانی بشک سازی پالایشگاه پس از آنکه برای خواسته‌های خود اعتصاب کردند تهدید به اخراج دسته جمعی روبرو شدند.
* کارفرمایان کارگاه گسترش مسکن ساختمانی در بقیه در صفحه ۵

باکسازی گوشی منحرف کردن مساررات مردم!

بیکاری روز افزون و چاره ناپذیر، صدها هزار کارگر و زحمتکش را به خروش آورده است. گرانی و تورم شدید قیمت‌ها، عرصه زندگی را بر میلیونها نفر از زنان و مردم و کودکان میهن ما تنگ کرده است. مسکن، همچنان، بعنوان مشکل لاینحل رخ نشان میدهد و صدها هزار نفر از زحمتکشان، تنها در تهران، در آلونکها و گودها زندگی سختی را میگذرانند. در روستاها، زحمتکشان و دهقانان، پنجه در پنجه ما - لکان تحت حمایت جمهوری اسلامی، میفشارند و قسط و عدل اسلامی را که برای آنها سرابی بیش نبوده است. به خاک میسپارند.

کارگران صنعت نفت

تابستان ۲۵ پیشتاز مبارزه با امپریالیسم انگلیس و ارتجاع زمستان ۵۷ پیشتاز مبارزه با رژیم شاه

هر سال، طبقه کارگر ایران در چنین روزی، بیاد ۴۷ نفر از عزیزترین شهیدانش، و بقمند بزرگداشت روزی که با زوان پولادین کارگران نفت و سینه‌های نیرومندان به مصاف گلوله - بقیه در صفحه ۱۰

در کارخانه‌ها، شوراها و واقعی مورد هجوم قرار گرفته و هرگونه اعتصاب و عمل در جهت احقاق حقوق کارگران، حرام اعلام شده و سرکوب میگردند. چوب تکفیر اینجا و آنجا، هر کجا که نفسی بر حق کشیده شود فرود می آید. صدها کارگاه تعطیل شده و یا در شرف تعطیل اند. خلق کرده چنان تحت وحشیانه ترین هجوم‌های حکومت، به مقاومت دلیرانه خود ادامه میدهد. خلق‌های

بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر می‌خوانید:

کارگران شهرک غرب کارفرما را مجبور به عقب نشینی کردند
برچیدن دکه‌ها راه حل ارزیم برای مشکل بیکاری!

زندانیان سیاسی در معرض اعدام
اخبار کارگری
اخبار کوتاه
اخبار کردستان قهرمان

در جریان پخش خبرنامه کربله رفیق استندباز فردانی شهید شد

در یک حمله، وحشیانه به کمونیست‌ها و نیروهای انقلاب بی در فیر و زکوه روز سیزدهم بقیه در صفحه ۶

پاکسازی...

ترکمن، عرب و بلوچ در زیر شدیدترین فشارهای رژیم جمهوری اسلامی بسربرده و به مبارزات خویش ادامه میدهند. اینست وضعیت کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز ما، پس از ۱۸ ماه که از قیام بهمن ماه میگذرد. رژیم که در مقابل همه مسائل خلق، ناتوان و عاجز است، چاره‌ای جز سرکوب و فریب و خدعه ندارد و در این راه، هر روز به ما نورجدیدی دست زده و قصد دارد افکار عمومی را بیشتر منحرف کرده و مدتی دیگر به حیات خویش ادامه دهد.

هیات حاکمه جمهوری اسلامی، این بار دست به "پاکسازی جدید" زده و مساله پاکسازی محیط و انقلاب اداری را پیش کشیده است.

این حقیقتی است که بیوروکراسی فاسد و عریض و طویل سیستم سرمایه‌داری وابسته مردم را به ستوه آورده است.

مبارزه خلق ما بر علیه رژیم شاه، برخلاف ادعای سران جمهوری اسلامی، برای زندگی بهتر و در نتیجه برای نابودی آن سیستم و نظامی بوده است که خلق را در بند خویش اسیر میساخته است. حمله به بانکها بیرون انداختن و زرا ازاد رات و تشکیل شوراهای کارکنان آنها قدمهایی بود که هدف اصلی حمله نیروهای خلق را نشان میدهد. خلق ما در طول مبارزه اش نشان داد که میخواهد نظام اقتصادی اجتماعی حاکم را براندازد و سیستم بوروکراتیک حاکم بر آن از بین ببرد کارهایش را از پیچ و خم ادارات درآورد و رده و بدست توانای خویش بگیرد.

اما بوروکراسی، بمعنی سیستم اداره امور کشور از بالا،

و توسط برگزیدگان حکومت، برای حفظ حکومتی که بر پایه سرمایه، و غارت و استثمار خلق استوار است، لازم و ضروری بوده و خواهد بود زیرا تنها شیوه دیگری که در مقابل این بوروکراسی باقی میماند شیوه اداره کشور توسط شوراهاست. که بر اساس منافع خلق و منافع طبقه کارگر استوار است، اما با این نظام سرمایه‌داری در تضاد قرار دارد. نظام سرمایه‌داری وابسته میخواهد، هر چه بیشتر و بیشتر خلق را به بند کشیده و در نتیجه منافع سرمایه‌داران و امپریالیسم را برآورده کند. در چنین نظامی جایی برای اعمال اراده خلق باقی نماند و تا وقتی این نظام باقیست اداره کشور، جز از طریق بوروکراسی و کاغذ بازی غیر ممکن است.

سرمایه‌داری وابسته را حفظ کرد؟ چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد؟ اصل ولایت فقیه را مورد تائید قرار داد؟ و چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و به "خبره" و "مجلس خبرگان" معتقد بود.

اینک که ناراضی عمو می اوج میگیرد، رژیم به انقلابی نمایی دست زده است سخنرانی‌های اخیر آیت‌الله خمینی و حمله به بوروکراسی دولتی به همین منظورهاست. او در این مرحله میخواهد با توجه ظاهری به خواسته‌های توده‌ها، جهت اصلی مبارزات توده‌ها را منحرف کند و به مسائلی نظیر حجاب زنان، پاکسازی ادارات از علائم شاهنشاهی و تغییراتی جزئی در سطح بعضی از مدیران ادارات دست زده است. این

● خلق ما در طول مبارزه اش نشان داد که میخواهد نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم را براندازد و سیستم بوروکراتیک حاکم بر آن را از بین ببرد، کارهایش را از پیچ و خم ادارات در آورده و بدست توانای خویش بگیرد.

خواست درست همان چیزی بوده است که در ۱۸ ماه گذشته رژیم نه تنها در مقابلش مقاومت کرده است بلکه نیروهای انقلابی را به همین مناسبت مورد حمله و سرکوب قرار داده است.

ماها بود که کمونیست‌ها فریاد میزدند، رژیم حاکم، جلوی پیشرفت انقلاب را گرفته و سعی در متوقف ساختن آن دارد. و در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، به خاطر همین افشام گری‌ها، کمونیست‌ها را ضد انقلابی مینامید و در حال حاضر نابودی "علائم شاهنشاهی" و ظواهر خلیلی سطحی نظام شاهنشاهی را عملی انقلابی! و یا بقول "آیت‌الله منتظری" انقلاب در انقلاب ارزیابی میکنند.

چه کسانی بودند که از همان

روزهای قبل و بعد از قیام، به مردم تاکید میکردند که ایجا شوراهای واقعی، قدرت دادن به آنها و ایجا حکومتی بر اساس حاکمیت خلق برهیزی طبقه کارگر تنها راه نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته و بوروکراسی ناشی از آن می‌باشد؟

اینها کسانی جز کمونیست‌ها و سایر نیروهای انقلابی، نبودند و در مقابل، چه کسانی با اضافه کردن یک لفظ اسلامی، ارتش شاهنشاهی ضد خلقی، همه ادارات و وزارتخانه‌ها را با همان سیستم بوروکراتیک ولی با اسم اسلام حفظ کردند؟

ارتش و بوروکراسی، به عنوان دو رکن مهم حافظ سیستم سرمایه‌داری وابسته چیزهایی بودند که در اساس خویش دست نخورده باقی ماندند و رژیم سعی کرد در آن ناحیه‌هایی که این ارگان صدمات جزئی دیده است به ترمیم آنها نیز بپردازد.

چه کسانی حافظ و نگاهدارنده اصلی این نظام بودند؟ چه کسانی از همان روز اول قیام و حتی قبل از آن، سران سازگاری و دشمنی با شوراها را در همه سطوح کشور گذاشتند؟ و چه کسانی خواست کارگران، کارمندان، روستاییان، سربازان و... را برای حفظ و وسعت دادن به شوراها سرکوب کرده و آن را ضد انقلابی خواندند و با تمام قوا به اخراج و دستگیری رهبران شوراها پرداختند؟ چه کسانی در مقابل شوراهای کارخانه‌ها اینهمه سنگ انداختند؟ چه کسانی ساواکیها را اغود داده و به بازسازی ساواک فراخواندند؟ چه کسانی مدیران شاهنشاهی را در پست‌های خود ابقاء کرده و مانع افشای نام ساواکیها شدند و در مقابل،

رژیم جمهوری اسلامی، از همان لحظه که قدرت رسیدن، به جان شوراها یعنی ارگان‌هایی که از دل مبارزات خلق بیرون آمده بودند افتاد و با این ترتیب در لحظه فروپاشی قدرت رژیم شاه، با شدت و پافشاری زیاد، از فروپاشی سیستم اقتصادی اجتماعی ایران و جایگزین کردن سیستمی بر اساس منافع خلق جلوگیری کرد.

اما چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در همان حال شوراهای واقعی را مورد حمله و هجوم قرار داد

چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در عین حال سرمایه‌انحصاری را به حال خود گذاشت؟ چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در عین حال، نظام

پاکسازی کوششی

برای پخش اعلامیه و یا شرکت در تظاهرات دانشجویی جوانان مبارزمیهن ما را به جوخه اعدام سپردند؟ و سرانجام چه کسانیی انقلاب را پایان یافته تلقی کرده و مردم را به رفتن به خانهها و سرکار و زندگی شان فراخواندند و مانعی در راه تداوم انقلاب ایجاد کردند؟ پاسخ همه این سئوالات و دهها سئوال نظیر آن روشن است. کل هیات حاکمه!

در حال حاضر، جناح خرده بورژوازی حکومت (حزب جمهوری اسلامی و روحانیت حاکم) بر رهبری آیت الله خمینی، سعی دارند گناه همه یارانشان را، همه اعمال ضد

کردند؟ اما کمونیست ها از همان روز نخست، بازرگان ها و امیران نظام ها و همه سرمایه داران و پاسداران سرمایه را افشاء کردند. مردم ما انقلاب کردند تا نظامی که "ستم پرور" و دشمن خلق بود نباشد. این رودبزرگ خون، بیهوده جاری نشده بود! شاه رأس هرمی بود که پایه هایش را نظام سرمایه داری وابسته تشکیل میداد و کمونیستها، این انقلابی ترین نیروها، بحکم وظیفه تاریخی شان، نابودی تمامی این هرم را میخواستند، همچنانکه همه خلق، بدون آنکه بتواند این خواست را بطور آگاهانه و

چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در همان حال شوراها و واقعی را مورد هجوم و حمله قرار داد؟

انقلابی و همه نامردمی ها را به گردن لیبرال ها بیندازند و در این راه، علاوه بر سرکوب مبارزان، متحرف کردن جهت مبارزات مردم به ظواهر و فریب خلق، به تصفیه حساب های سیاسی پرداخته و موقعیت خویش را در حکومت تقویت میکند. بخصوص که مسأله انتخاب نخست وزیر و نوآوری هم مطرح بوده است. اما توده های مردم سئوال میکنند! چه کسانیی قدرت را از چنگ خلق ربودند و دوستی تقدیم بازرگانها و امیران انتظام ها کردند؟ چه کسانیی دفاع از حکومت بازرگان را برای خلق تکلیف شرعی قرار دادند؟ چه کسانیی مخالفت با دولت بازرگان را مخالفت با خدا و رسول خدا تلقی

بقیه از صفحه ۱۹

و کارگران و زحمتکشان و پخش بلاکار دو و اوراق افشاگری در شهر جلوه گامات رژیم را به دکه هاییشان گرفته اند. روز چهارشنبه ۱۸ تیر دکه داران در میدان ولی عصر جمع شده و با شعارهای "مرگ بر سرمایه دار"، "ما کار می خواهیم" به طرف نخست وزیری راه افتادند و با دادن قطع نامه ای خواهستهای خود را مبنی بر ایجاد کاربندان داشتند. فردای آن روز، روز مبارزه رودرری دکه داران با پاسداران جمهوری اسلامی و شهادت دوتن از دکه داران و زخمی شدن تعداد بسیاری از انسان بود. رژیم جمهوری اسلامی با تیراندازی و به شهادت رساندن این زحمتکشان با ردیگرما - هیئت ضد انقلابی خود را در مقابل توده هایی که برای ادامه زندگی شان به مقاومت دست زده بودند، نشان داد. اینک دکه داران در کنار سایر زحمتکشان و خلق دلاور کرد که مورد تهاجم و سرکوب رژیم قرار گرفته اند، در جریان مبارزه طبقاتی شان ما هیئت رژیم را شناخته و بیف مایه هم روز - مان و همسنگران شان دشمنان نظام سرمایه داری وابسته - پیوسته اند.

● رژیم جمهوری اسلامی از هیچ کوششی برای تحت فشار قرار دادن کارگران و زحمتکشان فروگذار نمیکنند و در این راه هیچ فرصتی را از دست نمیدهد رژیم که در تمامی ۱۵ ماه حکومتش حتی قدمی کوچک نیز نتواند انسته در جهت حل مشکلات مردم و از جمله مهمترین آنها یعنی گرانی، بیکاری و مسکن بردارد. اینک با زهم نه تنها برای حل این مشکل کساری نمیکند، بلکه کارهایی را هم که مردم از فرط بیکاری، بی چینی و فقر و فشارهای زندگی بدان دست میزنند به بن بست میکشاند. روزی نیست که هزاران تن از بیکاران که به دکه داری روی آورده اند و با فروش خسرده ریز روزنانه و وسایل منزل و گذرا زندگی میکنند، با تهدید یا فشار روز و روزگویی و بیورش پاسداران و ما موران شهربانی به بهانه های مختلف مثل لطمه زدن به زیبایی شهر و روبرو میشوند. دولت از هر بهانه ای برای درهم ریختن بساط آنها استفاده میکند. روز پنجشنبه ۴ تیر سروکله پاسداران و ماشین های شهر - داری و شهربانی در خیابان خمینی اهو از پیدا میشود و شروع به جمع آوری دکه ها میکنند بهانه آنها این بود که اینجاست

مرکز بمب گذاری و فروش مواد مخدر است و منفجر شدن بمب قوی در روز قبل در همان محل را که از مراکز شلوغ و پر جمعیت اهو از است بهانه کرده بودند. جریان از این قرار بود که روز قبل در این منطقه بمبی بود - سیله عمال بعث عراق و رژیم سابق و ایادی امپریالیسم منفجر شد که حدود هفتن از مزدم بیگنا را کشته و بیش از ۵۰ تن را زخمی کرده بود. این عمل خشم و نفرت عمیقی در مردم ایجاد کرده بود و تمامی مردم اهو از خواهان یافتن عوامل این بمب گذاریها و شنا سایی آنها بودند اما رژیم ضد انقلاب بی جمهوری اسلامی که کاری جز زورگویی، فریبکاری و فشار و ستم بر توده ها برای حفظ هر چه بیشتر خود در قدرت ندارد از این حادثه سوء استفاده کرده و فرمای آنروز به دکه های بیکاران حمله ور شد. در طول حمله پاسداران به دکه ها دکانداران که دکه داران را مانع کسب و کار خود میداندستند به کمک پاسداران میشتانند و با استفاده از احساسات مردم که از کشته شدن همشهریان شان خشمگین شده بودند تا مدتها را در هم میکشستند. این عمل ضد انقلابی رژیم خشم و نفرت شدید دکه داران زحمتکش را برانگیخته بود یکی از آنها با خشم فریاد میزد:

آخر این چه وضعی است انقلاب کردیم، بیکار شدیم بدبخت شدیم طاقم طاق شد، حرف دل ما میزدیم هر کار میخواستیم بکنیم بکنید بیاید ما بکشید. و پاسداران نظام سرمایه داری وابسته با مشت و لگدمه جاننش افتادند و او را نیمه جان با خود بردند. هزاران نفر از زحمتکشان جامعه که تحت فشار نظام مپوسیده و ظالمانه سرمایه داری وابسته بیکار شده اند و به دستفروشی و دکه داری روی آورده اند این چنین مورد بیورش و هجوم وحشیانه عوامل رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند. اینست ما هیئت عملگردد ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی در مقابل زحمتکشان. ● روز چهارشنبه ۴ تیر، در همان روزهایی که دکه های دکه داران اهو از را به بهانه بمب گذاری درهم میکشستند، پاسداران به دربارک ولی عصر کرمانشاه آمده و به دکه داران میگویند "دکه هایتان را جمع کنید" اما با مقاومت یکپارچه آنها روبرو میشوند. دکه داران شجاعانه با تیر و تیشه و چوب در کنار خود ایستاده و خطاب به پاسداران میگویند هر کس جرات دارد پایش را جلو بگذارد، پاسداران جرات درگیری پیدا نکرده و فراری میشوند. ■

از مقاومت برحق دکه داران علیه زورگویی رژیم جمهوری اسلامی حمایت کنیم!

کارگران شهرک غرب کارفرما را مجبور به عقب نشینی کردند.



کارگاه "شهرک غرب" در غرب تهران واقع است و در آن حدود ۶۰۰ نفر از کارگران مشغول کار هستند. کارگران شهرک از روحیه مبارزه جویانه خوبی برخوردارند. بیشتر کارگران در همان شهرک زندگی میکنند و وضعیت کار و محل مسکونی کارگران سخت و غیر قابل تحمل است. از مدت‌ها قبل کارگران برای تشکیل شورای واقعی، بهبود مسکن، تقلیل ساعات کار، ایجاد درگاه و سایر امکانات بهداشتی و چندان خواسته دیگر دست به حرکات اعتراضی چندی زده‌اند. هیئت مدیره دولتی شهرک به کمک پاسداران مستقر در شهرک نه تنها به خواسته‌های کارگران ترتیب اثر ندادند بلکه به دلایل مختلف به آزار و اذیت و تهدید کردن کارگران میپرداختند. تا اینکه کاسه صبر کارگران لبریز شده و صبح روز ۱۴ تیر ماه جلودرورودی جمع میشوند. همینکه سروکلها انصاری عضو هیئت مدیره دولتی این دشمن قسم خورده کارگران پیدا شد، آتش کینه و خشم کارگران نسبت به این عنصر مزدور که از مدت‌ها قبل کارگران انباشته شده بود شعله ور میگردد. در یک لحظه انصاری چون حیوان کثیفی در میان مشت و لگد کارگران دست و پا میزند و کتک مفضلی نوش جان مینماید. بعد کارگران از بابت کارگاه بیرون

میاندازند. با پیوستن کارگران انبیمانی وحدت و همبستگی کارگران تکمیل میشود. چیزی نمیگذرد که سروکله پاسداران کمیته این حاکمان کارفرماها پیدا میشود. بعد از مختصر درگیری پاسداران در مقابل سد مقاومت کارگران عقب مینشینند. هیئت مدیره دولتی هم اطلاعیه میدهد و اعلام میکند که کلیه کارگران و کارمندان شرکت اخراج شده‌اند. کارگران به محض دیدن اطلاعیه تمام می‌آنها را پاره پاره میکنند و مشت محکمی بر دهان هیئت مدیره میکوبند. مشت که بزودی تمامی طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان بر دهان طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن خواهند کوبید. بعد از ظهر هیئت مدیره و پاسداران کمیته مستقر در شهرک وقتی میبینند سبک کارگران پرزور است دومزور را از کمیته مرکزی سراغ کارگران میفرستند. این دو مزدور برای خاموش کردن آتش خشم طبقاتی کارگران میگویند: اطلاعیه هیئت مدیره دولتی دروغ است و اعتبار ندارد، ولی کارگران دیگر آگاه شده بودند و ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای آنرا بخوبی میشناختند بعد از "سنگ روی یخ" شدن این دو مزدور کمیته مرکزی حزب جمهوری اسلامی ضد کارگر دو نفر دیگر را از خانه کارگر برای فریب دادن کارگران میفرستد. که اینها هم کاری از پیش نمیبیرند. کارگران تصمیم میگیرند نه تنها تصفیه حساب نکرده بلکه خوابگاهها را هم تخلیه نکنند. در ضمن از میان خود نگهبانانی برای کنترل و مر-

اقبت از شرکت و خوابگاهها می گذارند و غروب پاسداران به خوابگاهها یورش میآورند تا آنرا تخلیه کنند، اما ضرب و شتم جانانه‌ای از کارگران دریافت میکنند و دشمنان را روی کولشان گذاشته و میگریزند. در روزهای بعد کارگران متحد و مصمم به مبارزه ادامه میدهند و از میان خود شش نماینده انتخاب میکنند تا با کارفرمای دولتی مذاکره کنند در جریان مبارزات کارگران، بدستور هیئت مدیره ضد کارگری نمایندگان کارگران را با زداخت و حکم آخر. آج آنها را صادر میکنند این عمل بیشترمانند کارفرما خشم کارگران را به نهایت میرساند آنها جمع شده و قاطعانه خواهان آزادی همزمانشان میشوند. کارگران دلاور شهرک غرب پیوند ناگسستنی و حمایت بی دریغ خود را از نمایندگان اسپرگشته خود هر چه محکم تر اعلام کرده و برای آزادی آنها تا ظهر مهلت میدهند. اراده پولادین کارگران رعب و وحشت عظیمی در دل کارفرمای دولتی میاندازد آنها چاره‌ای جز عقب نشینی در مقابل بل صفت متحد کارگران ندیدند کارگران با مبارزات خود یکی، یکی خواسته‌هایشان را از حلقوم هیئت مدیره دولتی رژیم جمهوری اسلامی بیرون کشیدند. هیئت مدیره‌ای که تا دیروز میگفت همه کارگران و کارمندان اخراج هستند و کارخانه تعطیل، وقتی دید کارگران قصد اشغال کارگاه، بدست گرفتن کنترل آنرا دارند، حریفش را پس گرفته و موضوع تعطیل کارگاه را زیر سبیلی در کرد. هیئت مدیره‌ای که میگفت

کمیته کارگران مبارز کارخانه جات
اراک منتشر کرده است:

گزارشی از
مبارزات کارگران شرکت آلیاژ

کارگران چاره‌ای جز جنگیدن ندارند!

کمیته کارگران مبارز کارخانه جات اراک
سازمان رزمندگان آزادی طلبان

بقیه از صفحه ۱۰

مبارزات متحدانه . . .

اصفهان چند هفته پیش کارگران را تهدید کردند که کارگاه را تعطیل خواهند کرد. که با مقاومت و گروگانگیری نمایندگان شرکت نفت مواجه شدند.

کارفرمای شرکت ایران کار در مقابل اعتراض کارگران به اخراج دونفر از کارگران به تمام کارگران اخطار داده و آنها را تهدید به تعطیل شرکت نموده است.

بعد از تعطیل کسادی بازار کارگاههای خیاطی یکی بعد از دیگری بسته شدند.

۴۰۰ نفر از ۲۷۰ نفر کارگر کارخانه تصفیه شکر خوزستان که بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند در خطر بیکاری اخراج قرار گرفته اند.

۷۰ نفر از کارگران شهرداری مسجد سلیمان به دلیل نداشتن معافی در معرض اخراج قرار گرفته اند.

موج اخراج و بیکاری کردن کارگران در مقابل هرقریا اعتراض و به بهانه های گوناگون دامن کارگران را میگیرد و دولت این نیروی حاد می طبقه سرمایه دار که تاکنون نتوانی خود را در حل مسائل بیکاری بخوبی نشان داده است با صحنه گذاردن بر تعطیل کارگاهها و حتی تعطیل کارخانه های دولتی روز به روز بیشتر به صف بیکاران میافزاید؛ وزیر صنایع و معادن به مدیران شرکت صنایع آکام اختیار انحلال میدهد و خود نیز چنین میکند چنانکه معین فروزیر نفت بودجه شرکت بی. ای. ام. محمودآباد وابسته به شرکت نفت را قطع و ۹۵۰ نفر از کارگران را بیکار کرده است و وزیر

کارمهندس نعمت زاده بر تمامی این اعمال ضد کارگری مهر قانونی زده و گفته است که ماده ۲۲ قانون کار شانه های در مورد اخراج کارگران درست بوده و به نفع کارگران هم میباشد! (مباحثه با صدای جمهوی اسلامی)

موج اخراج کارگران مبارزات آنها قبیل آغاز شده است رژیم جمهوری اسلامی از مدت ها پیش از وحشت آگاهی و تشکل طبقه کارگردست به اخراجهای وسیع کارگران مبارزان کارخانجات زده است صنایع فولاد اهواز، فاسترویلر تهران جنوب شرکت کشت و صنعت کارون و زامیا دو تکنوکار و داروپخش و دهها کارخانه نمونه هایی از این واقعیتند

کارگران مبارز و آگاه باید با تشکیل شوراهای واقعی و در صورت وجود شورای با فعال کردن هر چه بیشتر آن در این زمینه کارگران را به مبارزه متحدانه و یکپارچه در مقابل این عمل ضد کارگری دولت و کارفرمایان بکشانند!

حکومت با اخراج کارگران مبارز و کمونیست تلاش میکند تا هر چه بیشتر مانع رشد مبارزات طبقه کارگر و تحقق خواسته های صنفی و سیاسی کارگران گردد این عمل در کارخانجات مختلف با عکس العملهای متفاوت و تروبروشده است در بعضی کارخانه ها این اقدام ضد کارگری کارفرمایان و دولت با مقاومت یکپارچه کارگران روبرو شده و آنها از اخراج همکاران خود جلوگیری کرده و در مقابل این توطئه کارفرما و دولت مقاومت و مبارزه کرده اند در تعدادی از کارخانه ها انجمن های اسلامی، عوامل کارفرما و مزدوران رژیم با زمینه سازی ها و تبلیغات ضد

کارگری و اتهامات واهی به کمونیست ها و انقلابیون جو کارخانه را از قبیل آماده کرده و با این کار خود کارگران را نسبت به این عمل ضد انقلابی منفعل میکنند و مانع از ایجاد جریان حمایت از مبارزین و کمونیست ها میگردند.

ما در یکی از مقاله های پیک هشدار دادیم که اخراج مبارزین از کارخانه سر آغاز سرکوب و سعت رهمه کارگران و کوشش در راه تشنیت کامل اوضاع به نفع سرمایه داران و جلوگیری از کوچکترین مبارزه و حق خواهی کارگران است و از تمامی کارگران خواستیم که در مقابل این توطئه کارفرمایان متحدانه مقاومت کنند چرا که عدم مقاومت یکپار

کارگران مبارز و آگاه باید با تشکیل شوراهای واقعی و در صورت وجود شورای با فعال کردن هر چه بیشتر آن در این زمینه کارگران را به مبارزه متحدانه و یکپارچه در مقابل این عمل ضد کارگری دولت و کارفرمایان بکشانند!

رچه کارگران باعث پروتزر شدن کارفرمایان میگردد و راه را برای اخراج های بعدی کارفرما به بهانه های مختلف باز میکند.

چرا کارگاهها یکی پس از دیگری تعطیل میشود؟ مبارزات قهرمانانه خلق ما در سالهای ۵۶-۵۷ که به فرار شاه خائن و نابودی نظام شاهنشاهی منجر شد، در پی اعتمادات و تحصنهای کارگری و ادامه بحران اقتصادی لطمات بسیاری بر نظام سرمایه داری وابسته وارد آورد و سرمایه داران بسیاری از کارخانه ها فراری شده و به خارج سفر کردند. بحران اقتصادی - سیاسی تمام جا - معه و! فرا گرفته بود و چرخ تو-

لینده سختی حرکت میکرد. وضع بدبحران درجا معر اه حلی انقلابی میخواست راه حلی که نظام سرمایه داری وابسته را درهم بریزد، اما رژیم جمهوری اسلامی بنا به سیاست هیش که حامی نظام سرمایه داری وابسته و سرمایه داران است ابتدا خواست که با همان شیوه گذشته با دعوت سرمایه داران، وام داد ن به آنها چرخ تولید را به راه اندازد اما با مقاومت قهرمانانه توده ها و کارگران روبرو شد. و بعد از آن دولت اداره بسیاری از کارخانجات را خود به عهده گرفت اما این راه حل نیز راه حلی سرمایه دارانه بود. بوی کارگران به هیچ عنوان حاضر نبودند. در همان شرایط گذشته با همان قوانین شاهنشاهی زیر بار استنما سرمایه داران و دولت بروند و مبارزات کارگران ادامه یافت اما سرمایه داران و کارفرمایان بعد از قیام هر چه بیشتر جلوی تولید کارخانجات را به شیوه مطلوب رژیم و کارفرمایان میگرفت سرمایه داران و دولت حامی آنها که تنها و تنها بر اساس سود برای بدست آوردن ارزش اضافی هر چه بیشتر از دسترنج کارگران، کارخانه های شان را با زنگه میدارند در مقابل این بحران اقتصادی و سیاسی که مانع از سودبری هر چه بیشتر آنان است دست به عمل ضد کارگری بستن کارخانه ها و کارگاهها میزنند. ادامه مبارزات کارگران و زحمتکشان ما علیه سرمایه داری وابسته و مقاومت در مقابل سلطه مجدد و کامل امپریالیسم

مرگ امپریالیسم و ارتجاع!

بقیه در صفحه ۹

بقیه از صفحه ۱۰

در جریان پخش...

تیرماه پاسداران با شلیک گلوله‌های آمریکایی ابتدا رفیق اسفندیار قربانی را مجروح کرده و پس از دستگیری، او را به مقر سپاه پاسداران برده و جسد نیمه جانش را زیر ضربات مشت و لگد و قنداق تفنگ بطرف جیبی متلاشی کرده و سرانجام با شلیک تیر خلاص برق قلب گرم و پرخروش، به زندگی سراسرافتخار او پایان دادند و لکه تنگ دیگری بر چهره کربیه رژیم جمهوری اسلامی ترسیم کردند.

ماجرای حمله پاسداران به نیروهای انقلابی، از روز یازدهم تیرماه، همزمان با پخش خبرنامه کومه له بوسیله انقلابیون آغاز شد. در این روز پاسداران ضد خلق که از مدتها قبل در مقابل این عمل جنگ و دندان نشان میدادند خواستند رفیقی را که در حال پخش خبرنامه بود دستگیر کنند، ولی بلقا و مت دلیرانه این رفیق و بقیه انقلابیون مواجه شده و مجبور شدند موقتاً دست از اینکار بردارند.

پس از این واقعه، سپاه پاسداران با کمک بازاریان چاقوکش‌ها وعده‌ای از عناصر ناآگاه، تظاهراتی را علیه فعالیت‌های انقلابی در شهر بر راه انداخت و در پایان از طریق اقدامات تحریک آمیز، تظاهرات کنندگان را بسمت مقر نیروهای انقلابی راهنمایی کردند. اما مقاومت نیروهای انقلابی، باعث خنثی شدن این توطئه گردید.

آنروز، نیروهای انقلابی پس از دفع حملات وحشیانه، به اقدامات افشاگرانه در میان مردم دست زدند و در پایان تظاهراتی جهت محکوم کردن این عمل پاسداران و نیروهای ارتجاعی برگزار شد. ساعت یک بعد از نیمه

شب همان شب پاسداران به سراغ یکی از انقلابیون رفته و او را دستگیر و در مقر سپاه پاسداران زندانی میکنند. صبح فردا، اقوام و بستگان فرد مزبور، با حمایت و همراهی نیروهای انقلابی شهر، جلوی مقر سپاه پاسداران تحصن میکنند و علی‌رغم تیراندازی‌های مداومی که از جانب پاسداران برای ایجاد رعب و وحشت در بین متحصنین که عمدتاً زنان بودند، صورت میگیرد، تحصن تا پایان روز ادامه مییابد و در پایان تحصن کنندگان با صدور قطعنامه‌ای دستگیری این انقلابی را محکوم کرده و پس از آن، دست به تظاهراتی برای افشای جنایات هیات حاکمه میزنند.

سرانجام سیزدهم تیر فرا میرسد. پاسداران چهره واقعی خود را - آنگونه که در کردستان خوزستان و جاهای دیگر به نمایش گذاشته‌اند - در فیروز کوه نیز نشان میدهند. آنها نپشه شیوه‌ها و اکی‌ها، تجمع نیروهای انقلابی را محاصره کرده، شروع به تیراندازی میکنند. مسلسل‌های آمریکایی به مصاف سینه‌های برهنه می‌آیند و رفیق اسفندیار قربانی مورد اصابت گلوله‌های آتشین پاسداران سرما به قرار میگیرد. آنها بعوض آنکه مجروح را به بیمارستان برسانند، تن مجروحش را به مقر خود برده و در آنجا وحشیانه به جانش می‌افتند. و آنگاه پس از جنایتکارانه‌ترین شکنجه‌ها، با یک گلوله آمریکایی، نقطه پایانی بر زندگی کوتاه ولی پرافتخارش میگذارند.

رفیق اسفندیار در حالیکه ۲۲ سال از عمر پریار خود را پشت سر گذارده بود به شهادت میرسد.

پاسداران جنایتکار جسد رفیق اسفندیار را از ترس خشم مردم به تهران منتقل میکنند. این خبر هولناک، بسرعت در میان شهر پخش میشود و تظاهرات مردم خشمگین شهر، پاسداران را وادار به عقب نشینی میکند. موج اعتراض سراسر شهر را فرا میگیرد و پاسداران را مجبور میکند که جسد را دوباره از تهران به فیروز کوه منتقل کنند. آنان همچون جانپان منفوری که از لیب خشم خلق هراسانند، جسد را از بیراهه به گورستان برده و دفن میکنند تا مبادا برای تشییع جنازه، رفیق تظاهراتی برپا شود. اما خشم خلق شعله سوزنده‌ای دارد. پاسداران جنایتکار را بلافاصله از تهر ان وورامین نیروهای کمکی وارد شهر کرده و بوسیله پاسداران و سربازان تازه وارد، شهر را محاصره نظامی قرار میدهند. آنها اینک همچون خرس آتش گرفته‌ای دست به حملات نومیدانه زده‌اند و بشدت در پی دستگیری نیروهای انقلابی هستند. آنها برای جلوگیری از ورود و خروج نیروهای انقلابی و دستگیری آنها، تمام راههای ورودی شهر را در شمال، سمتان، تهران، جاده‌های راه آهن و حتی پیاده‌های کوهستانی زیر نظر گرفته و عابری را با زرسی میکنند.

حکومت نظامی در شهر برقرار شده و پاسداران به منازل انقلابیون حمله کرده و تمام خانه‌ها را تفتیش میکنند.

هم‌اکنون دوتن از انقلابیون بدست پاسداران ضد خلق به اسارت گرفته شده و جانپان در خطر است.

وظیفه مردم مبارز و آگاه است که با افشای این نامردمی‌ها مانع از اعدام و کشتار انقلابیونی شوند که گنا هشان سرسپردگی به منافع خلق قهرمان ایران است!

بقیه از صفحه ۱۲

دارنده که بپرستند: آیا برای صدها هزار کارگر بیکار که حتی فرش زیر پایشان و وسایل زندگی شان را هم فروخته‌اند، کار باجی داده است؟ آیا برای هزاران دیپلمه بیکار که بار سنگینی بردوش خانواده‌های فقیر و زحمتکشان شده اند کار باجی داده است؟ اگر توانایی ایجاد کار وجود دارد آیا بیکاران بردارند که بهر حال در حال حاضر لقمه نانی در میآوردند مقدم نیستند؟ چه کسی به وعده‌های سرخرمن حکومتی که برای صدها هزار بیکار رنثوانسته است کاری ایجاد کند ولی ادعا میکند برای دکهداران کار باجی دهد که در گوش فرا خواهد داد؟ حکومت، چه چشم اندازی برای ایجاد تولید و کار ترسیم کرده است که دکهداران فریب این وعده‌ها را بخورند؟ یا تعطیل دهها کارگاه و اخراج هزاران کارگر علائمی از آن چشم‌انداز است؟ بی‌کفایتی‌ها و ناتوانی‌های رژیم در حل بحران، که به وضعیت طبقاتی آن بر میگردد، آنقدر با زور و روشن است که همه چیز حکایت از افزایش بیکاری‌ها دارند که کاش آن! و حمله به دکهداران خود نشانه‌ای برای اثبات این ادعاست!

دکهداران خود را از صفوف بهم فشرده بیکاران جدا نمی‌بینند و شعار میدهند: اول کار برای بیکاران!

کارگران و زحمتکشان ایران، مساله دکهداران جدا از مساله بیکاران و جسد از کارگران شاغلی که هم‌اکنون در معرض خطر بیکاری قرار دارند نیست. همه زحمتکشان در صفوف بهم پیوسته باید بدانند که دکهداران حمایت کنند و در همان حال، برای حل مساله بیکاری مبارزه کنند.

اجازه ندهیم به بهانه مساله رزه یا فساد، که در اصل خود مورد حمایت زحمتکشان است به سرکوب زحمتکشان بپردازد. با تمام قوا از دکهداران و جنبش بیکاران دفاع کنیم. اول کار برای بیکاران!

دادگاه انقلاب اسلامی صلاحیت محاکمهٔ تقی شهرام را ندارد!

رفیق تقی شهرام با ۱۳ سال سابقه مبارزاتی علیه رژیم شاه خائن و امپریالیسم آمریکا اینک در همان زندانهای آریامهری، ولی بدست رژیم جمهوری اسلامی گرفتار آمده و قرار است در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شود.

رژیم جمهوری اسلامی مدت یکسال تمام رفیق را در بندهای انفرادی زندان اوین نگهداشته و تنها یکی دو بار ملاقات به او داده است و در طی این یکسال با همان شیوه‌های آشنای آریامهری با انواع شکنجه‌های روحی و تحت فشار قرار دادن ها قصص

داشت رفیق شهرام را و اداریه موضعگیری علیه سازمانهای انقلابی و کمونیست کند.

در این مدت عناصر رژیم دور خود فروخته‌ای نظیر احمد رضا کریمی و اصغر میرزا جعفر علاف همکاران سابق ساواک و یاران جدید جمهوری اسلامی را برای بازجویی به سراغ شهرام فرستاد تا از همسایه شیوه‌ها و ابتکاراتی که ساواک در سال‌ها قبل، در چنین مواردی بکار میبرد استفاده کنند.

رژیم اینک در پی آنست که رفیق شهرام، این مبارز خستگی ناپذیر را که یکسال تمام همچون تمامی سالهای

عمرش، در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های آنان به مقاومتی قهرمانانه دست زده است در یک دادگاه در بسته به محاکمه بکشاند!

دادگاه‌های انقلاب، کنه دسته‌دسته ساواکی‌ها و عوامل رژیم شاه را آزاد کرده‌اند صلاحیت محاکمه رفیق شهرام را ندارند، حتی طبق قوانین ضد مردمی جمهوری اسلامی نیز زندانیان سیاسی باید در دادگاه‌های دادگستری، با وکیل و علنی محاکمه شوند اما اینک رژیم جمهوری اسلامی چون بسیاری موارد که برای رسیدن به اهداف جنایتکارانه

نداش قوانین خودش را نیز زیر پا میگذارد، قصد دارد رفیق شهرام را در دادگاه‌های در بسته با مصلاح انقلاب محاکمه و محکوم کند.

هم‌میهنان مبارز! با تمام قوا از آزادی رفیق شهرام پشتیبانی کرده و با افشای بلاهایی که رژیم جمهوری اسلامی بر سر شهرام آورده است، از شعار "عدم صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلام می در محاکمه شهرام و تمام زندانیان سیاسی" پشتیبانی کنیم!

زندانیان سیاسی در معرض اعدام

بلافاصله بعد از حمله به دانشگاه‌ها اعلامیه روبرو که در آن از خلق مبارزمیهن مان خواسته شده که در جنایات کثیف رژیم جمهوری اسلامی اورا باری کنند، در شهرها هوا زپخش شد اینک ۴ تن از این انقلابیون اعدام شده و به شهادت رسیده - اند رفیق مسعود دانیالی و رفیق احمد مؤذن به فاصله چند روز بعد از دستگیری به جوخه اعدام سیرده شدند.

اعدام این دو رفیق خشم و نفرت مردم را در سراسر ایران و در تمامی خوزستان برانگیخت و رژیم جرات نیافت که به جنایات سنگین خود ادامه دهد اینک که دو ماه از آن زمان میگذرد، اینک بر مردم سراسر ایران روشن شده است که حوادث دانشگاه‌های ایران و انقلاب فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی ایران توطئه ای بوده است که هیات محاکمه با نقشه‌ای حساب شده علیه نیروهای انقلابی و کمونیست و دانشجویان مبارزیه راه

انداخته است، رژیم با بی‌شرمی تمام به جنایات سنگین ادامه میدهد و این بار سه انقلابی اسیر رفیق مهدی علوی شوستری دانشجوی رشته ریاضی دانشکده جندی شاپور و منوچهر جعفری انقلابی مبارزو دکتر نریمی سا را به شهادت رساند و قیحانه آنها را به جرم‌هایی چون "موضعگیری علیه جمهوری اسلامی" و "پرتاب سنگ به طرف مردم (!؟)" متهم نموده است.

اکنون از لیست سیاه جنایتکاران جمهوری اسلامی دوتن باقیمانده‌اند: اسدالله خرمی و غلامحسین صالحی. آنها در کنار دهها زندانی سیاسی دیگر در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند و هیچگونه تاملی ندارند.

هم‌میهنان مبارز! با افشای جنایات رژیم در حوادث دانشگاه‌ها با افشای اعدام‌های فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی و با

غلامحسین صالحی و دیگر زندانیان سیاسی تلاش کنیم!

بسمه تعالی

از برادران و خواهران مسلمان دستبرداران اعلام می‌گردد که از یاد ما نماندند

با عرض تسلیت عرض می‌کنیم که در این مصیبت عظمی درگذشتگان را در جوار رحمت الهی بدرود عالم بفرستد

اسدالله خرمی
غلامحسین صالحی
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر

محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر
محمد باقر

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



اخبار کوتاه

در شرکت ایرانکار روز ۱۷ خرداد کارگری را که نسبت به دوری راه و نبودن سرویس اعتراض کرده بود، اخراج کردند. کارفرما در مقابل اعتراض بقیه کارگران به اخراج آن کارگر، تمامی کارگران را به اخراج و تعطیل کارگاه تهدید کرد.

روز ۲۵ خرداد ۲ نفر از کارگران شرکت ایران کار به اتهام کم کاری اخراج شدند و به چند نفر دیگر که به اخراج کارگران اعتراض کرده بودند اخطاریه دادند.

روز ۹ تیر، ۴۰۰ - ۵۰۰ نفر از کارگران مخابرات و کارگران شرکت A.B.C در مقابل اداره مخابرات خیابان کریم خان زند اجتماع کرده و خواستار عماه حقوق عقب افتاده خود شدند. مقامات مسئول به آنها جوابی ننمیدهند و کارگران تصمیم به راه پیمایی میگیرند که با ماشین پلیس و افراد کمیته روبرو میشوند. ولی کارگران خشکینا نه به آنان حمله ور شده و علیرغم تیراندازی هوایی آنها قدمی هم عقب نشینی نمیکنند مردمی که از آنجا رد میشدند از کارگران پشتیبانی کرده و از وحشیگری ها و جنایات پاسداران صحبت

میکردند (از بقیه جریانی خبری در دست نیست).

تحصن کارگران شرکت بی ای ام (محمودآباد) نمایندگان ۵۵ نفر از کارگران ساختمانی بی ای ام اینک مدتی است که برای جلوگیری از اخراج دستجمعی و لگدمال شدن حقوقشان جلوی اداره کار در قاعده شهر دست به تحصن زده اند. آنها که پس از قیام سال ۵۷ با مشکل باز کردن محل کارشان مواجه بودند، ابتدا آنقدر میان ادارات دولتی پاس داده شدند تا سرانجام شرکت نفت آنها را به جهاد سازندگی تحویل بداد. اما جهاد هم ۴۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و باقیمانده کارگران نیز گفته است که فقط نیمی از حقوق و مزایا را به آنها خواهد پرداخت.

اینک کارگران دیگر کاردبه استخوانشان رسیده و با تحصن جلوی اداره کار قاعده شهر، حق خود را میخواهند.

در یکی از روستاهای اطراف کازرون در اوایل خرداد ماه زمانی که کارشبانه روزی روستائیان به محصول بخور و نمیری رسید و روستائیان در حال جدا کردن گندم از کاه بودند مالکین با مزدوران خود بر سر زمین ها آمدند تا به زور نصف گندمها را از روستائیان بگیرند اما با مقاومت و مبارزه روستائیان زوربرو شدند. روستائیان شعار میدادند: دهقانان بیدارند!

از مالکین بیزارند! تا خون در رگ ماست مالک دشمن ماست!

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر درگیری بین دهقانان زحمتکش و مالکین مزدوران آغاز شد و تا ساعت ۹ شب طول کشید.

در طول این درگیری یک نفر کشته و ۲ نفر زخمی شدند. تعداد دزیب دی از مالکین و مزدوران نشان نیز زخمی شدند و روحیه روستائیان عالی بود و گندمها را که از دست مزدوران و مالکین مفت خورنجات داده بودند کیسه کیسه به خانه ها آوردند!

در پستیبانی از کارگر انقلابی کارخانه ایران میتون (شیراز) تمامی کارگران دست از کار میکشند اما منسه اعصاب کارگران به راه پیمایی و تظاهرات خیابانی نیز کشیده شده است.

هفته پیش عوامل خسرو - خان قشقای و ابراهیم خان و خانهای دیگر فارس به دهقانان دشت ارژن حمله کرده و ضمن ضرب و شتم دهقانان میخواستند که خرمنها را آتش بزنند، که توسط دهقانان دستگیر شده و به مقامات سپرده میشوند. مقامات جمهوری اسلامی بعد از چند روز آنها را آزاد میکند چند ماه قبل نیز خانها چادرهای دهقانان همین محل را آتش زده و گوسفندان روستائیان را کشته و فراری داده بود. دنده دهقانان با زهم آنها را دستگیر و به مقامات سپرده بودند که آیت الله ربانی شیرازی آنها را آزاد کرده بود.

این بار دهقانان به آزدادی خان ها اعتراض کردند اما مقامات، دهقانان معترض را دستگیر کردند!! بعد از دستگیری دهقانان معترض بقیه روستائیان در استاندار ری متحصن شدند!

حدود سه هفته پیش ۷۰ پا - سداروما مور شهر بانی یکی از آپارتمانهای تصرف شده به وسیله گوند نشینان در میرداماد

را محاصره میکنند و میگویند که آپارتمانها باید تخلیه شود و شما قانون شکنی کرده اید! اما زحمتکشان گوند در مقابل پاسداران مقاومت کرده و آنان را به عقب نشینی وادار میکنند.

بعد از ظهر چهارشنبه ۵۹/۴/۴ در محله تهران نوفلک چایچی در درگیری اهالی پاسداران سه نفر از اهالی محل زخمی میشوند.

علت درگیری این بوده که یکی از جوانهای معتاد محل که خود و خانواده اش طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند، در محل اقدام به فروش مواد مخدر و کشیدن حشیش میکند. جوانهای محل به این عمل او اعتراض میکنند و با او میزنند. پاسداران به کمک فرد معتاد آمده و شروع به تیراندازی میکنند که در نتیجه آن سه نفر از اهالی تیر خورده و زخمی میشوند. بدنبال این واقعه اهالی خشمگین محل به پاسداران حمله ور شده و آنها را فراری میدهند.

کارگران زرین خط یکی از زخمی های درگیری روز کارگردار کرمانشاه در بیمارستان شهید شد. کارگران زرین خط که چاقوبه نخاعش خورده بود در زمانی که همکلاسی هایش امتحانات ثلث آخر را میدادند از دستیار رفت. همکلاسی هایش هر روز روی صندلی اش گول میگذاشتند و روز آخر امتحانات به مناسبت شهادتش دقیقه سکوت کردند و بعد از سکوت سرودای رفیقان را خواندند این بزرگداشت در تمام سطح دبیرستان و همچنین شهرتایر خوبی داشت!

بقیه در صفحه ۹۰

برقرار باد جمه - وری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۵

مبارزات متحدانه...

آمریکا و ممانعت در مقابل سودبری مطلوب سرمایه داران خارجی، کشورهای امپریالیستی و در راس آن آمریکا محدودیتهایی در زمینه مواد اولیه و لوازم یدکی و ماشین آلات برای ایران ایجاد کرده اند. و این موضوع کارگاههای مارا که گاه تا پیچ و مهره شان نیز وابسته به کشورهای امپریالیستی و نیازمند واردات از آنها است به تعطیل گشاده است و با توجه به رابطه کارخانجات مختلف واضح است که تعطیل یک کارخانه بزرگ و کم شدن تولید یک شرکت مهم چندین کارگاه و کارخانه را فوراً و با چند ماه بعد به تعطیل میکشاند. بحران اقتصادی سیاسی حاکم بر جاکمه راه حل انقلابی میخواست راه حلی که تنها با درهم کوبیدن نظام سرمایه داری وابسته میتواند اجرا شود، اما رژیم جمهوری اسلامی راه حل ضد انقلابی و سرمایه دارانه است و این راه حلها روز به روز بر عمق بحران اقتصادی وسیعتری افزوده و به تعطیل هر چه بیشتر کارگاهها و کارخانهها منجر میگردد.

■ وظیفه کارگران در مقابل تعطیل کارگاهها

اما آیا کارگران در مقابل بیکاری روز افزون در مقابل تعطیل هر روز کارگاهها باید دست روی دست بگذارند، آیا آنها باید تبلیغات ضد کارگری و فریبکارانه رژیم را در مورد صبر انقلابی و عدم تضعیف رژیم جمهوری اسلامی بیاور کنند و در این دوران گرانی، کمبود مسکن و سخت تر شدن زندگی ساکت بمانند و فرو بینند؟

نه! کارگران باید مانع بسته شدن کارگاهها شده و علیه

تعطیل آنها مبارزه کنند! با یاد زبیکاری و اخراج کارگران جلوگیری کنند. تاکنون در اکثر کارگاهها و کارخانهها تعطیل و اخراج با مبارزه متحدانه کارگران روبرو بوده است. کارگران که بیکاری خود را معادل گرسنگی و فقر هر چه بیشتر میدیدند، با چنگ و دندان در مقابل این زورگویی کارفرمایان به شکلهای مختلف مقاومت و مبارزه کرده اند. از قبیل:

۱□ - افشای توطئه تعطیل کارخانه توسط اعلامیه و پلاکارد در شهرها و جلوس پشیمانان از مردم و زحمتکشان و کارگران (مانند مبارزه کارگران خیاط که شرح آن در پیک رزمندگان شماره ۱۵ آمده و مبارزه کارگران شهرداری مسجد سلیمان)

۲□ - گروگانگیری نما -

ایش فشار به کارگران و درهم شکستن حرکات اعتراضی آنها و اجبار آنها به عقب نشینی است در این صورت باید کارگران آگاه و مبارزان تهنیدات را افشاء کرده و امکان اداره کارخانه را توسط خودشان بر ای تمام کارگران توضیح دهند در صورت عملی شدن این تهدید کارگران باید به اقدام انقلابی اشغال کارخانه دست زنند، کارفرما و مزدور را اخراج کرده و خود اداره کارخانه را بدست گیرند و به تولید ادامه دهند. برای ادامه تولید کارگران باید به تمامی اقدامات لازم از قبیل محافظت از مواد اولیه و محصول، ارتباط با شوراها و اتحادیه های واقعی دیگر کارخانجات و بخصوص کمیته های دست زده و در صورت مصرفی بودن محصول

■ کارگران باید به اقدام انقلابی اشغال کارخانه دست زنند، کارفرما و مزدور را اخراج کرده و خود اداره کارخانه را بدست گیرند و به تولید ادامه دهند.

باز فروش ارزان تر آن در بازار - ارحانیت خود را به توده ها و در واقع راه و روش از بین بردن مساله گرانی را به زحمتکشان نشان دهند. کارگران در تمام این مدت باید متوجه تا مین و کسب مواد اولیه باشند و در صورت کار شکنی دولت و سایر سرمایه داران به مقاومت و اعتصاب و تحصن و افشای عملکرد دولت در این مورد دست زنند. در تمام طول این مبارزات کارگران بطور جدی باید در پی راه انداختن کارخانه حتی بطور موقت و اجبار دولت به تامین مواد اولیه - در صورت نبودن - باشند.

اما در هر مبارزه پیشبرد امر مبارزه احتیاج به سازماندهی و تشکل کارگران دارد از اینرو کارگران مبارزان و آگاه باید با تشکیل شوراهای واقعی و در صورت وجوب

شورای واقعی با فعال کردن هر چه بیشتر آن در این زمینه کارگران را به مبارزه متحدانه و یکپارچه در مقابل این عمل ضد کارگر دولت و کارفرمایان بکشانند. در این مبارزه باید تمامی کارگرانی را که از مدتی پیش اخراج شده اند خیردار کرد و آنان را به مبارزه متحد علیه کارفرما فراخوانند. و باید دیگر کارخانه های که تعطیل شده و یا در شرف تعطیل هستند را ببطور قرار کرد. همچنین با اقبای اقدامات ضد کارگری کارفرمایان را بکنار کارخانه های دیگر پشتیبانی آنها را جلب نمود تا اتحاد و همبستگی، مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل اخراج تعطیل، یا تهدید به تعطیل کارخانه تنها راه جلوگیری از بیکار شدن دهها و صدها کارگر و پیوستن آنان به صف بیکاران در این شرایط سخت و بحرانی است.

■ طبقه کارگر در جنبه های مختلف مبارزه با سرمایه داران دولت آبدیده میشود و ضمن اینکه برای داشتن حداقل حقوق برای امرار معاش خود و خانواده مبارزه میکند. آگاهتر، متحدتر، متشکل تر میشود و برای نبرد نهایی و سرنوشت ساز یعنی برای درهم کوبیدن نظام مپوسیده سرمایه داری وابسته مهیا میگردد. به امید آن روز!

بقیه از صفحه ۸

■ بدنبال تعلیق طرح گسترش مجتمع پتروشیمی شیراز ۱۲۰۰ نفر از کارگران زحمتکش سه شرکت ساختمانی (گاما، زمینه و شانه) از کار برکنار و اخراج گردیده اند. چند هفته قبل از بسته شدن کارگاهها، کارگران با تمام مقامات مملکتی از امام گرفته تا وزارت کار و استانداری و فرمانداری ارتباط گرفته بودند و هیچ جوابی از آنها نشنیدند.

بعدا از تعطیل کارگاهها کارگران تصمیم به تحصن در محل کار خود گرفتند و روز هفتشنبه ۹ تیر به یک تظاهرات با شکوه در خیابانهای شیراز دست زدند و سپس در جلواستانداری جمع شده و خواسته های خود را اعلام کردند. این تظاهرات از پیشبانی مردم برخوردار شد.

بقیه از صفحه ۱۰

کارگران صنعت نفت...

سی و چهار سال پیش در پرداخت *

شرایطی که جنگ امپریالیستی دوم جهانی، با تضعیف اقتدار امپریالیزم انگلیس و فرار رضاخان، اوضاع مساعدی برای رشد آگاهی های سیاسی و اجتماعی و گسترش مبارزات طبقاتی فراهم آورده بود، طبقه کارگر قهرمان ایران یکی از مهم ترین نیروهای جبهه خلق در پیکار با حکومت بود.

در خرداد ماه سال ۱۳۲۵ مبارزات یازده روزه کارگران سراسر ایران که بشکل اعتصاب سراسری انجام گرفت، سرانجام حکومت "قوام السلطنه" خائن را مجبور به عقب نشینی کرد و قانون کار جدیدی را که انعکاس پاره ای از خواسته های آن زمان کارگران بود، به تصویب رساند. اما این عقب نشینی محدود و موقتی بود. شرکت غارتگر نفت ایران و انگلیس - که در حقیقت سرخ حکومت مرکزی هم در دستش بود - از اجرای این قانون کار خودداری کرد و خشم کارگران را برانگیخت.

کارگران نفت تهران مجددا دست به اعتصاب زدند، اما با یورش وحشیانه حکومت و بازداشت عده ای از کارگران مبارز و بیروشدند. حکومت قوام السلطنه از اتحاد مبارزه کارگران سخت بلوحتست افتاده بود و به همین دلیل از یکسو برای مقابله با اتحادیه های کارگری به ایجاد اتحادیه های قلابی (زرد) دست زد و از سوی دیگر با ایجاد دستجات چاقو کشان حرفه ای بنام "گروه نجات" به مقابله با اتحادیه های کارگری

شرایطی که جنگ امپریالیستی دوم جهانی، با تضعیف اقتدار امپریالیزم انگلیس و فرار رضاخان، اوضاع مساعدی برای رشد آگاهی های سیاسی و اجتماعی و گسترش مبارزات طبقاتی فراهم آورده بود، طبقه کارگر قهرمان ایران یکی از مهم ترین نیروهای جبهه خلق در پیکار با حکومت بود.

در خرداد ماه سال ۱۳۲۵ مبارزات یازده روزه کارگران سراسر ایران که بشکل اعتصاب سراسری انجام گرفت، سرانجام حکومت "قوام السلطنه" خائن را مجبور به عقب نشینی کرد و قانون کار جدیدی را که انعکاس پاره ای از خواسته های آن زمان کارگران بود، به تصویب رساند. اما این عقب نشینی محدود و موقتی بود. شرکت غارتگر نفت ایران و انگلیس - که در حقیقت سرخ حکومت مرکزی هم در دستش بود - از اجرای این قانون کار خودداری کرد و خشم کارگران را برانگیخت.

کارگران نفت تهران مجددا دست به اعتصاب زدند، اما با یورش وحشیانه حکومت و بازداشت عده ای از کارگران مبارز و بیروشدند. حکومت قوام السلطنه از اتحاد مبارزه کارگران سخت بلوحتست افتاده بود و به همین دلیل از یکسو برای مقابله با اتحادیه های کارگری به ایجاد اتحادیه های قلابی (زرد) دست زد و از سوی دیگر با ایجاد دستجات چاقو کشان حرفه ای بنام "گروه نجات" به مقابله با اتحادیه های کارگری

تاریخ طیه گرهای بورژوازی، همواره این اقدامات را تجربه کرده و خواهد کرد. کوشش جمهوری اسلامی ایران برای درست کردن شورا های فرمایشی و در عین حال تشکیل دستجات حزب الهی، در حقیقت تکرار همان تجربه ها در اشکال جدید است!

غیر قابل انکاری است که میر - علیه امپریالیزم و حکومت ان رشد آگاهی های اجتماعی دست نشانده آن شدند.

سی و چهار سال پیش بخوبی نشان میدهد نقش برجسته طبقه کارگر ایران را بمثابه یکی از مهم ترین سنگر های مبارزات ضد امپریالیستی زحمتکشان میهنمان، تصویر میکند. خواسته های که کارگران آگاه نفت، در اعلامیه مذکور مطرح کرده بودند عبارت بود از:

۱- برکناری و اخراج استاندار خوزستان، بنام مصباح فاطمی که در حقیقت نوکر دست به سینه انگلیس ها

سی و چهار سال پیش بخوبی نشان میدهد نقش برجسته طبقه کارگر ایران را بمثابه یکی از مهم ترین سنگر های مبارزات ضد امپریالیستی زحمتکشان میهنمان، تصویر میکند. خواسته های که کارگران آگاه نفت، در اعلامیه مذکور مطرح کرده بودند عبارت بود از:

۱- برکناری و اخراج استاندار خوزستان، بنام مصباح فاطمی که در حقیقت نوکر دست به سینه انگلیس ها

امروز طبقه کارگر ایران، باید با بهره گیری از دستاوردهای ارزشمند جنبش پرفراز و نشیب کارگری، تمام معامله گران سازشکار را بدرستی باز شناخته و آنان را چون خس و خاشاک بی مقدار از مسیر بزخروش مبارزات خویش کنارزند.

در منطقه نفتی جنوب بود.

۲- خلع سلاح "اتحادیه" عشا یرخوزستان که دیدیم دارو دسته مسلحی بر علیه کارگران و زحمتکشان بود که مستقیما بوسیله اربابان انگلیسی ایجاد شده بود.

۳- جلوگیری از مداخله شرکت نفت ایران و انگلیس در امور سیاسی ایران.

۴ - انحلال اداره خدمات سیاسی و اخراج سران آن از ایران. این اداره در حقیقت جاسوخته انگلیس در ایران بود.

۵ - اجرای کامل قانون کار.

و.....

بدین سان بود که کارگران آگاه نفت جنوب، با طرح شعار های سیاسی، وارد عرصه جدیدی از مبارزات خود بر

های نیرومند کارگران از یکسو و گلوله های سربازی دیگر آغاز شد.

وحشیگری حکومت دست نشانده امپریالیزم، بسیار دیگر صحنه های خونباری از جنایات آنان را به نمایش گذاشت. ۴۷ کارگر شهید و ۱۷۳ نفر زخمی شدند. کارگران در این روز از خود قهرمانی های شگفتی نشان دادند. این جنگ نابرابر، تا پاسی از شب، میان کارگران و مزدوران حکومت ادامه داشت. امپریالیزم انگلیس در برابر تهور و یکپارگی کارگران بیدفاع، آنچنان به وحشت افتاده بود که یک ناوگان جنگی بسمت خلیج فارس گسیل داشت!

فردای آنروز، موج انزجار و اعتراض سراسر بقیه در صفحه ۱۱

۲۳ تیر سالروز مبارزات کارگران صنعت نفت گرامی باد!

● روز چهارم تیر پیشمرگان کومه له در مها با دجاش هایسی را که در انفجارات اخیر دکه سازمان پیکار جلوی مقبر کومه له و ماشین تشکیلات پیشمر که زحمتکشان دست داشته اند دستگیر کرده اند تعداد این جاش ها ۷ نفر است. قاسملو پس از شنیدن خبر دستگیری بلافاصله تحویل جاشها را خواسته است و دلیل آورده که ما نیروی اصلی در مها با دستیم کومه له این درخواست را رد کرد و جاشها را برای محاکمه در پیش خود نگهداشته است. این مسئله به مقدار زیادی ماهیت حزب دمکرات را در میان مردم شهر آشکار کرده است!

● روز ۳ تیر قاسملو در مها با دستخترانی داشت. قاسملو در این سخنرانی گفته است که "علامه نوری" از طرف

بقیه از صفحه ۱۲

اخبار کردستان قهرمان

بنی صدر برای مذاکره پیرامون صلح پیش آمده است و قرار شده که به آنها "خودمختاری اسلامی" بدهد و قاسملو هم پذیرفته است.

● در چند روز گذشته (هفته اول تیر) و بخصوص پس از سخنرانی کومه له به مناسبت اعلامیه مشترک حزب دموکرات و سازمان چریکها که طوآن کومه له شدیداً مواضع سازشکارانه آنها را نقد کرده است، تعدادی از پیشمرگه های حزب دمکرات و سازمان چریکها به صفوف پیشمرگان کومه له پیوستند. پیشمرگ سازمان چریکها با اسلحه خودشان به کومه له

مراجعه کرده و درخواست فعلی لیت زیر فرماندهی کومه له را نموده اند و در ضمن گفته اند که حدود ۱۰ پیشمرگه دیگر هم میخواهند به شما بپیوندند. در مریوان نیز دو پیشمرگ دمکرات با اسلحه حزب دمکرات به کومه له مراجعه کرده اند که حزب برای پیش گرفتن اسلحه خود به کومه له آمده است. اما خوشبختانه که اسلحه خود را از دادن اسلحه خود ازی کرده و گفته اند که "اسلحه منطبق به خلق است و آن را بطاعت میدهم" حزب آنها را تهدید به مرگ کرده است.

● روز اول تیر در مها با د

سازمان چریکها ۱۲ گروه گان ارتشی و پاسدار را بدو ن هیچگونه درخواست میا دلنه زندانیان و مبارزات قهرمان خلق کرده آزاد کرده است. این جریان که نزدیکی هر چه بیشتر سازمان چریکها را به هیئت حاکمه ضد انقلابی و در نتیجه جدایی هر چه بیشتر او را از منافع خلقهای تحت ستم ایران نشان میدهد در مردم تاثیر منفی بسیاری داشته و مردم کردستان بخصوص مردم شهرهای اشغالی چون سنندج، بانه و سقز به هیچ رو این عمل را نپذیرفتند.

کارگران صنعت نفت ...

بقیه از صفحه ۱۰

ایران را فرا گرفت. از هر گوشه کشور، قریباً دو اعتراض کارگران و زحمتکشان طنین انداخت. مردم از این اعمال وحشیانه عسانی شده و به دولت اعتراض کردند. دولت خائن قوام السلطنه، وقتی اعتصاب را شکست ناپذیر و خود را در میان افکار عمومی زحمتکشان ایران منزوی یافت، مجبور شد عده ای را برای مذاکره با کارگران به جنوب بفرستد، تا بلکه با ابرعاب و فریب کارگران، آتشله های خشمی که در سراسر ایران برافروخته شده بود، خودواریان انگلیسی اش را نجات دهد!

اوبرای اینکار، دونفر از نوکران جیره خوار خود دو نفر از رهبران حزب توده را انتخاب کرد! آری حکومتهای ضد خلقی همواره با تفتنگ سرکوب نمیکند!

رهبران حزب توده و ما - مورین حکومتی، با کارگران وارد مذاکره شدند. آنها تعهد

کردند که تمام خواسته های کارگران را به مورد اجرا گذارند و در عین حال مسبین کشتار و حشیانه ۲۳ تیر را هم دستگیر و مجازات کنند. کارگران که کمترین اعتمادی به عمال حکومت نداشتند، از آنجا که نمایندگان حزب توده را جزو رهبران "شورای متحده کارگر" ان و زحمتکشان سراسر کشور میدانستند، به این وعده و وعید ها اعتماد کردند و اعتصاب خونباری که گلوله های امپریالیستی قامت استوارش را نلرزانیده بود، با حربه رذیلانه فریبکاری سازشکاران درهم شکست.

حزب توده ایران، در سر - اسرتاریخ با اصطلاح مبارزاتش، هیچگاه دغدغه ای جز در یوزگی به پیشگاه صاحبان قدرت نداشته و ندارد. رهبران خائن حزب توده که خود را مدافع منافع طبقه کارگر جا میزنند و در این رهگذر پاره ای از کارگران را نیز

میفریبند از آنجا که برای سوار شدن، خمر ادراهی جزگدایی برت و چشمک زدن به حکو متکرات میبندند، کار کرده اند که با سازشکاران به طبقه کارگران ایران است. این همان که به هنگام "معامله" با قوام السلطنه وعده شرکت در حکومت کشید، او را بیجان کرده بودند، با بهره گیری بیلانه از اعتماد صادقانه ای که کشتی از کارگران بدیده داشتند، خون عزیز شهدای حزب توده را آویختن خود به پای های مدارت پوشالی قوا قرار داده و آرمان های انقلابی کارگران مبارز شرکت نفت را لگدمال کردند.

کارگران اغلب با شکستند و با اعتصاب اینکه درخواستهایشان برعت برآوردند و خواهشهایشان را با زکشتند، دو هفته مدینه خاطر نقش خائنان حزب توده در خاموش کردن اعتصاب کارگران قوام السلطنه و نفرز رهبران

حزب توده را در دولت خودوار کرد. آنگاه چنین دولتی برای سرکوب کارگران وارد کارزار شد. درخواست کارگران غیر قابل نونی اعلام شد. اعضای اتحادیه ها دسته دسته توقیف شدند. چندین هزار نفر از فعالین نهضت از کار برکنار شده و حتی ۵۵ نفر از کارگران هندی که در اعتصاب فعالانه شرکت داشتند از خوزستان تبعید شدند. حکومت ضد خلقی قوام السلطنه بدون همکاری و کمک سران خائن حزب توده مسلماً به سادگی نمیتوانست جنبش اعتصابی کارگران را سرکوب نماید.

امروز طبقه کارگر ایران، باید با بهره گیری از دستاوردهای ارزشمند جنبش پرفراز و نشیب کارگری، تمام معامله گران سازشکار را بدرستی باز شناخته و آنان را چون خس و خاشاکی بی مقدار از مسیر برخورد مبارزات خویش کنار زنند!



شهرداری بفکر زیبا سی
 شهر است بدون اینکه به گز-
 سکی زحمتکشان بیندیشد.
 پلیس تهران و کمیته
 مرکزی بفکر از بین رفتن سد
 معبر و نظم و ترتیب رفت و آمد
 در شهر ندیدون اینکه به زند-
 کی زحمتکشان بیندیشند .
 دایره مبارزه با منکرات ،
 بفکر جمع کردن آلات و ادوات
 موسیقی و نوارهای آهنگ
 و ترانه است . بدون آنکه برا-
 یش اهمیت داشته باشد این
 امر به زندگی چه تعداد از
 زحمتکشان تا شیر میکذارد .
 وزارت بهداشتی بجای
 حل مساله بهداشت و درمان
 زحمتکشان (که توانایی انجام
 آن را ندارد) ، به فکر محیط
 زیست افشاده و نگران حال

پرچیدن دگه‌ها

راه حل رژیم برای مشکل بیکاری!

دگه‌ها بسته شود؟ همه میدانند
 که مثلاً از فلان قصابی و یا
 بهمان قصاب تریاک و هروئین
 گرفته شده است ، آیا راهش این
 است که همه قصابی‌ها بسته
 شوند؟

شهرداری و وزارت بهداشتی
 بفکر زیبا سازی شهر و حفظ
 بهداشت محیط زیست اند ، در حا
 لی که زحمتکشان ، به چشمان
 منتظری میانند و اینکه در خانه‌ها
 برای لقمه نانی انتظار میکشند
 جا مع را خطر فقر و فلاکت تهدید
 میکند آنوقت زیبا سازی شهر
 بهانه قرار میگیرد .

شهر تهران ، در زمان
 شاه هم زیبا بود ، همه چیز سر جای
 خودش نه سد معبری و وجود داشت
 و نه ژنده پوشان و پیا برهنگان
 که جرات کینده فضای پاک شمال
 شهر را آلوده سازند!

اما این ظاهری بود
 و در عمق قضا یا چیز دیگری
 جریان داشت . رژیم حاضر که
 نتوانسته و نمیتواند مشکلات
 عظیم زحمتکشان را حل کرده
 و جا مع را از بحران بدر آورد ،
 به ظاهری زیبا سازی
 دست زده است ! زیرا که وجود
 دهها هزار دگه دار ، خود نمایی
 یشگرو وجود بحران اقتصادی
 بیکاری پنهان و ورشکستگی
 اقتصاد است . وجود دهها هزار
 دگه دار ، تشنه نبودن تولید و
 وجود مصرف رویه تزیادی است .
 رژیم حالا که نمیتواند این
 مشکل را حل کند به ظاهر آن
 پرداخته است ! این است منطق
 و چاره رژیم !
 حکومت ادعا میکند برای
 دگه داران کار ایجاد خواهد کرد
 و به همین مناسبت در کمیته‌ها -
 کساز ، از وزارت کار نیز
 نماینده ای وجود دارد . اما
 دگه داران میپرسند (و حق

خویش را به گردن دگه داران
 بیندازد و به بهانه اینکه
 احتمالاً در چند دگه ، هروئین
 خرید و فروش شده است همه
 دگه داران را از نان خوردن
 بیندازد .

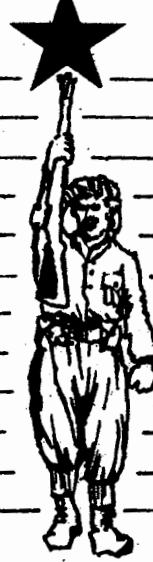
و سرانجام ، دست اندر کار -
 ران حکومت ، که دگه داری را به
 علل گوناگون خطرناک
 دیده اند میخواهند ، این
 پدیده را که خودش معلول
 بحران های اقتصادی و اجتماع
 می باشد ، بحران زده ماست ،
 با زور تیر و تفنگ نابود کنند .
 آنها ناچاراً باید سیستم را
 حفظ کنند اگر چه در این راه صد
 ها هزار نفر نابود شوند . و حالا
 در شهر تهران ، کمیته پاک سازی
 از همه ارگانهای ذکر شده در بالا
 تشکیل شده است و نتیجه معلوم
 است . التیما تو م بد زحمتکشان
 یک فرصت ۴۸ ساعته برای پیو-
 ستن دگه داران به صف عظیم
 بیکاران ! اینست چاره و راه حل
 رژیم برای مشکل بیکاری !

حکومت ، بیشتر مانع و وقیحا
 نه ، هزاران زحمتکش میهنمان
 را که از زور بیکاری به دگه
 داری پناه آورده اند ، و در زیر
 برف و باران ، و سرمای زمستان
 و آفتاب سوزان و هوای کُف
 آلود تابستان ، برای بدست
 آوردن لقمه نانی بکار پیو-
 زحمت خود مشغول اندکاری که
 اغلب کفاف زندگیشان را هم
 نمیدهد به ترویج فساد متهم
 میکند آیا اگر در چند دگه ، هرو-
 ین به فروش رسید ، با ایده

"شهر وندان" شمال شهر پیش
 شده است ، بدون اینکه محیط
 زیست را بطور واقعی بشناسد
 و از مساله درمان و بهداشت
 برداشتی بنفع زحمتکشان
 داشته باشد .
 اداره مبارزه با مواد
 مخدر در نا توانی است که در
 مساله اعتیاد و سوءمصرف
 نظام سرمایه داری
 زمینه اش فراهم نکند
 میخواهد کنا ه های

و پالیزان ، با
 یالیم آمریکا
 دسته های متشکل
 داده اند تا ز
 سرکوب خلقها
 کنند . این م
 ۸ تا ۱۴ هزار
 با حقوق های
 تومانی که
 روستائیان
 مسافری
 یم سعی
 ضد انقلاب
 بی نظیر ک
 دهد در حال
 بی خلق ک
 نیز جنگ
 چنانکه
 سیه رزک
 و باقی
 رژیم
 بوده

صفحه ۱۱



اخبار کردستان قهرمان

● اخبار رسیده از کردستان
 حاکیست که عوامل مزدور عراق

اتحاد پولادین کردستان و زحمتکشان نظام پوسیده
 سرمایه داری را بسته و درهم خواهد گویید!